

سومین کنگره
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
پیر گزار شد

● کنگره سازمان نیروهای چپ، جمهوریخواهان دموکرات و مشروطه خواهانی که علیه استبداد پهلوی موضع روشن دارند را به پیکار مشترک در راه حقوق بشر و دموکراسی فراخواند.

● سومین کنگره سازمان جمهوری اسلامی را مانع جدی دموکراسی، تجدد، پیشرفت و عدالت اجتماعی در کشور ارزیابی نموده، خواهان سلب حاکمیت از آن و برقراری یک جمهوری مبتنی بر دموکراسی به جای رژیم فعلی گردید.

● کنگره نسبت به شرایط خطرناک پیرامون کشور، حضور قدرتهای بزرگ، تشدید منازعات میان دولتها و جنگ و خونریزی در منطقه ابراز نگرانی نموده و خواهان هشجاری ملی در کشور شد.

● کنگره سوم با مبارزات زنان ایران علیه اقدامات سرکوبگرانه و ارتجاعی رژیم اعلام همبستگی نمود و خواهان حمایت بیشتر جهانی از زنان کشورمان شد.

● کنگره، همه فدائیان خلق در خارج از کشور را به حمایت فعالانه تر از مبارزات داخل کشور دعوت کرد. مشروح گزارشها و اسناد کنگره در صفحات ۱۰ تا ۱۳

کابینه جدید با ۶ وزیر تازه معرفی شد

● از ۶ وزیر تازه تنها یک تن از لیست پیشنهادی رسالتی ها است

بعد از کشمکش های زیاد، بالاخره رفسنجانی کابینه تازه خود را به مجلس معرفی کرد. در این کابینه ۶ عضو جدید وارد شده و یکی از وزیران نیز جایگزین شده است. این شش تن عبارتند از: علی محمد بشارتی وزیر کشور، یحیی آل اسحاق وزیر بهداشت، درمان و آموزش عالی، محمد فروزنده وزیر دفاع و پشتیبانی، محمد رضا هاشمی گلپایگانی وزیر فرهنگ و آموزش عالی، عباس احمد آخوندی وزیر مسکن و شهرسازی، اکبر ترکان از وزارت دفاع به وزارت راه و ترابری منتقل شده است.

رفسنجانی قبل از معرفی اعضا کابینه خود، با خامنه ای، نمایندگان مجلس شورا و حوزه علمیه قم مذاکرات پنهانی مفصلی را پیش برده بود و بنظر میرسد که لیست ارائه شده حاصل توافق گروه بندی های حکومتی است. در عین حال رفسنجانی در جلسه هیئت دولت که پس از معرفی وزرا تشکیل شد بطور ضمنی نسبت به تغییرات انجام یافته اظهار رضایتی کرد و گفت: جای تاسف است که به علت

اقتزودند. روزنامه رسالت گزارش های انتقادی مکرری از عملکرد وزرا را درج نمود. در کمیسیونهای مجلس، عملکرد تک تک وزرا مورد بررسی قرار گرفته و نسبت به آنها رای گیری بعمل آمد. اکثر وزرا رای لازم را نیاوردند. جناح اکثریت در مجلس، جلسات ویژه تشکیل داده و بعد از بحث های زیاد به برکناری ۱۲ تن از وزرا رای دادند. آنها جزواتی در مورد وزرا بویژه غلامرضا آقازاده وزیر نفت منتشر نمودند. امام جمعه هائیز در نمازهای جمعه، بخشی از سخنان خود را به موضوع کابینه اختصاص داده و خواستار تغییر در ترکیب کابینه شدند.

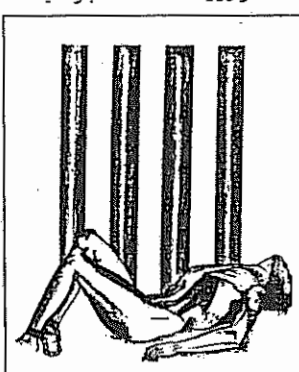
در عین حال رسالتی ها، مسئله تقسیم کار بین رئیس جمهور و معاونت اول را مطرح ساختند. آنها می گفتند که رئیس جمهور در مسئولیت های بی نظیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی امنیت ملی و شورای اقتصاد قرار گیرد و مسئولیت اجرایی که قبلا بر عهده نخست وزیر بود برداشته شود. معاونت اول رفسنجانی، با هنر بود.

ادامه در صفحه ۲

به یاد فاجعه
قتل عام
زندانیان سیاسی

خبر دردناک بود گرچه هنوز کسی بر ابعاد فاجعه ای که رخ داده بود، اشراف نداشت. همگان بر سمیت رژیم جمهوری اسلامی بویژه در برخورد با مخالفان آگاه بودند، با اینحال هیچکس نمی توانست تصور کند که جلادان به چنین جنایتی دست زنند و در عرض مدتی کوتاه زندانها را به قتلگاه صدها تن از مخالفان دربند خود بدل کنند.

هر روز که گذشت بر سیاهه



ادامه در صفحه ۱۱

۵ سال پس از آتش بش، هنوز دشمنی
میان جمهوری اسلامی و عراق حاکم است

● وزارت خارجه جمهوری اسلامی حملات رژیم به خاک عراق را مورد تأیید قرار داد

همزمان با پنجمین سالگرد پذیرش قطعنامه ۵۹۲ از سوی جمهوری اسلامی و پایان جنگ ایران و عراق، هنوز نه تنها گام امیدبخشی در جهت برقراری صلح بین دو کشور برداشته نشده بلکه روابط دورریم به سطح جدیدی از تشنج و تخاصم رسیده است. سر نوشت اسرای دو کشوریکی از دلایل این تشنج است. همزمان با سالروز آتش بس صدام حسین مدعی شد که هنوز ۲۰ هزار سرباز عراقی در ایران اسیرند و شمار بسیاری از اسرای این کشور به دست حکومت اسلامی به قتل رسیده اند. وی گفت ۱۴۸ هواپیمای عراقی که در جریان جنگ حلیج فارس به ایران رفتند نیز هنوز در اختیار جمهوری اسلامی است و این رژیم از پس دادن آنها به عراق خودداری می کند. جمهوری اسلامی ادعاهای عراق در مورد اسرای جنگی این کشور در ایران وارد کرد. به گفته مقامات حکومت ایران بعد نیست تعداد زیادی از ۲۰ هزار اسیر مورد ادعای عراق در جریان جنگ کشته شده باشند. مقامات اسلامی تعداد اسرای ایرانی در عراق را ۸۵۰۰ نفر اعلام کردند. هنوز هیچ چشم اندازی برای آزادی اسرای باقی مانده در دو کشور پدید نیامده است. مرزهای دو کشوری نیز همچنان متشنج است و جمهوری اسلامی به حملات بی وقفه خود به خاک عراق به منظور سرکوب نیروهای حزب دموکرات کردستان و مجاهدین خلق ادامه می دهد. روز ۱۷ مرداد وزارت خارجه جمهوری اسلامی با انتشار بیانیه ای به طور

رسمی تنها جم جمهوری اسلامی به خاک عراق را مورد تأیید قرار داد. در بیانیه وزارت خارجه گفته شده که این حملات به منظور سرکوب مخالفین جمهوری اسلامی که در این کشور مستقر هستند صورت می گیرد. بیانیه وزارت خارجه تصریح کرده است که اینگونه عملیات در آینده نیز ادامه خواهد یافت. یک روز بعد سخنگوی حزب دموکرات کردستان عراق در آنکارا اعلام کرد در جریان حمله پاسداران جمهوری اسلامی به کردستان عراق، یک پاسدار کشته و ۴ تن دیگر مجروح شدند. به گفته سخنگوی فرق، هدف از حمله نیروهای مسلح جمهوری اسلامی به خاک کردستان عراق، نابودی یک پایگاه حزب دموکرات کردستان ایران در ۶ کیلومتری عمق خاک عراق در نزدیکی سلیمانیه بوده است. دفتر نمایندگی حزب دموکرات کردستان ایران نیز با انتشار اطلاعیه هایی خیر از حملات مداوم رژیم علیه نیروهای این حزب در خاک ایران و عراق می دهد.

سیاستهای تجاوزکارانه جمهوری اسلامی به خاک عراق که با حساب ضعف این کشور و انزوای جهانی آن صورت میگیرد، عامل اصلی ادامه تشنج در روابط دو کشور است. آزادی فوری اسرا، قطع حملات تجاوزکارانه حکومت اسلامی به خاک عراق و انعقاد قرارداد صلح عادلانه بین دو کشور، همچنان نیازمیرم برای تأمین امنیت و آرامش در مرزهای دو کشور است.

زد و خورد مسلحانه در مرزهای ایران و ترکیه

● در پی یک نرخی شدن ارز و قطع سهمیه های ارزی که تا پیش از این در اختیار واحدهای تولیدی قرار می گرفت، کارخانجات و صنایع کشور با بحران جدی مالی روبرو شده و شماری از آنها در هفته های اخیر با کاهش شدید تولید و یا تعطیل کامل فعالیت خود مواجه شده اند. بنا به اظهارات نعمت زاده وزیر صنایع اگر دولت تا یکماه آینده تسهیلاتی در اختیار کارخانجات قرار ندهد، تولید صنایع کشور به نصف کاهش خواهد یافت.

وزیر صنایع اضافه کرد تک نرخی شدن ارز صنعت کشور را با مشکل نقدینگی مواجه کرده و بانکها نیز تسهیلاتی در اختیار کارخانجات قرار نمی دهند. روزنامه های تهران خبر می دهند که تولید صنایع لاستیک یزد به دلیل قطع برق به ۷ درصد کاهش یافته است و علت قطع برق نیز ناتوانی این کارخانه برای پرداخت یک میلیون دلار بر اساس هر دلار ۱۴۵۰ ریال به شرکت برق منطقه ای بوده است.

فعالیت مجتمع چوب و کاغذ چوکا نیز که یکی از صنایع عمده تولید کاغذ در کشور است به دلیل قطع گاز مایع مورد مصرف این مجتمع از سوی شرکت گاز، متوقف شده است. در این مجتمع نزدیک به ۲ هزار نفر مشغول به کار هستند. از سوی دیگر بخش فارسی رادیو بین المللی فرانسه در گزارشی از وضع صنایع نساجی ایران گفته است این صنایع با بزرگترین بحران تاریخی خود مواجه هستند. بنا به گزارش این رادیو که در روزنامه های تهران نیز انعکاس یافته است، صنایع نساجی ایران بر خلاف بسیاری از کشورهای در حال توسعه

چند روز پس از آنکه معاونان وزارت کشور ایران و ترکیه درباره جلوگیری از نفوذ مخالفان دورریم از مرزها به داخل خاک یکدیگر به توافق رسیدند، چندین پاسگاه مرزی ایران از طریق خاک ترکیه مورد حمله مسلحانه قرار گرفت و چندین کشته بجای گذاشت. سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی در اظهار نظری پیرامون این حادثه گفت "ترکیه مسئول حفظ و حراست از مرزهاست و در مورد هر گونه نفوذ اشرا از خاکش به ایران مسئولیت دارد.

این درگیری که در پی نشست کمیته مشترک امنیتی دو کشوری داد نشان می دهد که برغم توافق های طرفین و اظهارات مقامات دو کشور برای پرهیز از تشنج در روابط دو کشور و ارتقای آن، مناسبات دو کشور در وضعیت غیر عادی و حساسی قرار

کمبود دارو و لوازم پزشکی
به سطح بی سابقه ای رسیده است

● دهها قلم داروی مورد نیاز و ضروری مردم در داروخانه های یافت نمی شود

کمبود دارو و لوازم پزشکی در سطح کشور به شکل لا ینحل و غیر قابل علاجی بدل شده و جان هزاران بیمار را مورد تهدید قرار داده است. کمبود دارو در ماهها و هفته های اخیر به طور محسوسی افزایش یافته و ناراضی و سیعی را برانگیخته است. خبرگزاری جمهوری اسلامی در ۱۴ مرداد نام دهها داروی حیاتی و پرمصرف نظیر آنواع آنتی بیوتیک ها، داروهای معده، چشم، آسم، دردهای عضلانی،

اوضاع بحرانی در صنایع کشور

در پی یک نرخی شدن ارز و قطع سهمیه های ارزی که تا پیش از این در اختیار واحدهای تولیدی قرار می گرفت، کارخانجات و صنایع کشور با بحران جدی مالی روبرو شده و شماری از آنها در هفته های اخیر با کاهش شدید تولید و یا تعطیل کامل فعالیت خود مواجه شده اند. بنا به اظهارات نعمت زاده وزیر صنایع اگر دولت تا یکماه آینده تسهیلاتی در اختیار کارخانجات قرار ندهد، تولید صنایع کشور به نصف کاهش خواهد یافت.

وزیر صنایع اضافه کرد تک نرخی شدن ارز صنعت کشور را با مشکل نقدینگی مواجه کرده و بانکها نیز تسهیلاتی در اختیار کارخانجات قرار نمی دهند. روزنامه های تهران خبر می دهند که تولید صنایع لاستیک یزد به دلیل قطع برق به ۷ درصد کاهش یافته است و علت قطع برق نیز ناتوانی این کارخانه برای پرداخت یک میلیون دلار بر اساس هر دلار ۱۴۵۰ ریال به شرکت برق منطقه ای بوده است.

انقلاب مشروطیت نخستین تلاش در راه دموکراسی

شاید یکی از بزرگترین افتخارات مردم ما در طول تاریخ دیرسالشان این است که جزو نخستین مردمان استعمارزده ای بودند که علیه استعمار، استبداد و عقب ماندگی شوریدند. در آغاز قرن دوازدهم که پهنه وسیعی از جهان در خوابی گران و سنگین فرو رفته بود، ندای آزاد یخواهی و مخالفت با استبداد از کشور ما برخاست و چنان جنبش عظیمی آفرید که آغازگر بیداری آسیا گشت. انقلاب مشروطیت پیشگام ده ها انقلاب و جنبشی بود که توانستند در مبارزاتی چند ده ساله به ننگ استعمار پایان دهند و بساط استبداد مطلقه را در بسیاری از کشورهای جهان برچینند. انقلاب مشروطیت از جنبش روشنگری آغاز قرن در ایران قوام گرفت و به همت مردان بزرگی چون ستارخان و باقرخان و حیدر عمواوغلی به بار نشست. نیروی واقعی این انقلاب چون هر انقلاب و جنبش اصیل، مردمی بودند که به امید زندگی بهتر از خواب برخاسته و به تلاش و کوشش روی آوردند.

هدف اصلی انقلاب مشروطیت برچیدن بساط حکومت مطلقه استبدادی، پایان دادن به دخالت روحانیون در امور سیاسی و قضایی و آموزشی و برپا شدن دموکراسی بود. مشروطه خواهان به ضرب توپ و تفنگ مرتجعین و خیانت دوستان نیمه راه سرکوب شدند، اما انقلاب آنان ضربه سنگینی بر پیکر استبداد مطلقه وارد کرد و در آن تازه ای را در کشور ما پی ریخت. خواسته های مشروطه خواهان چنان نیرویی یافت که دیگر محو آنها از فکر و عمل مردم و جامعه ناممکن گشت. انقلاب مشروطیت توانست برخی از مهمترین نهادها و ابزار دموکراسی را وارد حیات جامعه سازد.

بر اثر انقلاب مشروطیت اندیشه نظام پارلمانی برای نخستین بار به جامعه ایران راه یافت و مجلس شورای ملی در ساختار سیاسی کشور شکل گرفت. بر اثر انقلاب مشروطیت، اندیشه احترام به قانون مطرح گردید و برای نخستین بار قانون اساسی و سایر قوانین مدنی در برابر بی قانونی کامل، احکام شرعی و

اراده ملوکانه قرار گرفت. بر اثر انقلاب مشروطیت، مطبوعات که یکی از ارکان اساسی دموکراسی هستند در جامعه ما پدید آمدند و نقش بزرگی در بیداری مردم بر عهده گرفتند. بر اثر انقلاب مشروطیت نخستین تشکلهای مردم برای دفاع از حقوق خود ایجاد شد. نخستین احزاب سیاسی و اتحادیه های صنفی تحت تاثیر مستقیم این انقلاب حیات یافتند. این تحولات شکافی بزرگ در بنای کهنه استبداد پدید آورد.

موقعیتهایی که بر اثر نخستین تلاش بزرگ مردم در راه آزادی و دموکراسی پدید آمد، متأسفانه ادامه نیافت. کسانی که امروزه دروغ خود را وارثین و ادامه دهندگان انقلاب مشروطیت می دانند در زمانی که خود قدرت را در دست داشتند همه موفقیتهای بدست آمده را از مضمون واقعی و دموکراسی خود تهی ساختند. مجلسی را به بازیچه و نهاد گوش بفرمان یک دیکتاتور بدل ساختند. قانون اساسی را به مثابه

اعلامیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مناقشه قره باغ. ابعاد نگران کننده ای پیدا کرده است.

مناقشه چند ساله میان آذربایجان و ارمنستان بر سر قره باغ علیا، اکنون به یک جنگ تمام عیار نظامی میان دو جمهوری همسایه تبدیل شده است و روز بروز ابعاد نگران کننده تری پیدا می کند. در هفته های اخیر ارتش ارمنستان عملیات نظامی خود را گسترش داده و مناطق جدیدی از خاک آذربایجان را به تصرف خود در آورده است. برابر آخرین خبرها هم اکنون ۱۷ درصد خاک آذربایجان در اشغال نیروهای نظامی ارمنستان است. در عملیات اخیر ارتش ارمنستان در خاک آذربایجان هزاران نفر غیر نظامی جان خود را از دست داده و صد ها هزار نفر، از شهرها و روستاهای خود آواره شده اند. ادامه این وضع نگرانی همه محافل سیاسی، مجامع بین المللی و کشورهای منطقه را بر آنگیخته است. این خطر وجود دارد که جنگ به دیگر مناطق همجوار نیز کشیده شده، بحران میان دو جمهوری را پیچیده تر و حل و فصل آن از راههای سیاسی را دشوارتر نماید.

ما ضمن محکوم کردن عملیات نظامی ارتش ارمنستان علیه آذربایجان، خواستار مذاخله سریع مجامع بین المللی و کشورهای همسایه برای قطع فوری جنگ و عقب نشینی بی قید و شرط ارمنستان به مرزهای شناخته شده سابق و حل اختلافات از طریق گفتگوهای سیاسی هستیم.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۲۴ مرداد ۱۳۷۲

دومین سالگرد ترور شاپور بختیار

تاخیر افتادن آن کوشش در جهت تدقیق بیشتر شواهد و مدارک است. منبع مذکور همچنین به نقل از بر و گبر می نویسد که دادگاه مربوط به قتل دکتر بختیار در تاریخ ترورسیم بین المللی اولین دادگاهی است که در آن با استناد به مدارک غیر قابل انکار، یک دولت به محاکمه کشیده می شود. دادگاه قاتلین دکتر بختیار در حقیقت دادگاه جمهوری اسلامی خواهد بود.

با اینحال نگرانی از تاثیر روابط اقتصادی و سیاسی در سرپوش گزاردن بر نقش رژیم اسلامی مستبد حاکم بر ایران در این تروراز میان نرفته است.

ما بر این امیدیم که سیاست نزدیکی آزاد یخواهان ایرانی که از سوی دکتر بختیار ریگیری می شد، توسط جاننشینان وی و نهضت مقاومت ملی ایران نیزی گرفته شود. همچنین امیدواریم که مساعی مشترک اپوزیسیون آزاد یخواه مانع از تکرار موارد دیگر ترور شود. خاطره دکتر شاپور بختیار و سرورش کتیبه را گرامی می داریم.

کمیته جدید با ۶ وزیر تازه معرفی شد

آنها میخواستند با این تقسیم کار و انتخاب با هنر یمن توان معاون اول رئیس جمهور، رفسنجانی را بدنبال شوراهای عالی بفرستند و خود هدایت امور اجرایی را بدست گیرند و از این طریق برنامه های خود را پیش ببرند. از سوی دیگر روزنامه سلام و جریان وابسته به آن علیرغم آنکه نقشی در تحولات مربوط به کابینه بر عهده نداشتند، مواضع فعالانه ای را دنبال کردند. روزنامه سلام جهت اصلی حملات خود را متوجه جناح راست به سرمدناری روزنامه رسالت نمود و هر چه زمان معرفی کابینه جدید نزدیکتر شد، بر شدت این حملات افزود. روزنامه سلام در این جریان بیش از پیش لزوم فعالیت حزبی را برای برنامه ها را مورد تاکید قرار داد.

در چند هفته اخیر موضوع انتخاب وزرا کابینه داغ ترین و حاد ترین مسئله سیاسی در محافل حکومتی کشور بود.

در انتخابات رئیس جمهوری، در نوبت هر مکتبی بر سر انتخابات رفسنجانی توافق صورت گرفته بود. در این توافق جناح رسالت نیز پذیرفته بود که از رفسنجانی حمایت کند بشرط آنکه او در کابینه آتی تغییراتی را در جهت تامین نظر آنها انجام دهد. رفسنجانی باین شرط تن داده بود. به همین خاطر حکمرمندان یکپارچه پشت رفسنجانی قرار گرفتند و جدال بین گروه بندی های حکومتی از انتخابات رئیس جمهوری به انتخابات وزرا کابینه انتقال یافت.

این جدال ناشی از موقعیت جدید جناح راست است. برنده اصلی انتخابات دوره چهارم مجلس شورا، نه رفسنجانی بلکه آنها بودند. مجلس شورا در سه دوره اول در قبضه خط امامی ها بود. جناح رسالت مجلس را از جنگ آنها در آورد و اکثریت خود را در آن تامین نمود. گرچه این اکثریت شکننده است. انتخابات ریاست جمهوری نیز رسالتی ها را یک گام جلو برد. کاهش آرا رفسنجانی و کسب ۲۴ درصد آرا توسط احمد ترکلی در این انتخابات، موقعیت رفسنجانی را ضعیف تر و موقعیت رسالتی ها را قوی تر کرد. این امر جناح راست را در اعمال فشار برای تعیین خواسته های خود جدی تر نمود. رسالتی ها در شرایط کنونی

زدو خورد مسلحانه ...

ارگانهای مسئول وضع نابسامان دارو را به گردن یکدیگر می اندازند. وزیر بهداشت در مراسم گشایش گردهمایی دانشجویان علوم پزشکی کمیود سرم را متوجه وزارت صنایع دانست و گفت صنعت دارو سازی در اختیار این وزارتخانه است. در مورد سایر کمیودها، وزیر مربوطه، شورای اقتصاد و بانک مرکزی را مسئول دانست. یکی از مسئولین وزارت صنایع در مصاحبه با خبرنگاری جمهوری اسلامی بانک مرکزی را بدلیل عدم تخصیص ارز عامل اصلی نابسامانی دارویی در کشور معرفی کرد.

در برابر گسترش ابعاد نارضایتی ها، معاون دارویی وزارت بهداشت - درمان و آموزش پزشکی در یک مصاحبه راد پویی به تاریخ ۲۱ مرداد قول داد مشکل دارو تا چند ماه آینده برطرف شود. وی کمیود ارز و مشکلات سیستم بانکی و پرداختها را

تصحیح وپوزش

در گزارش "در باره کتاب خاطرات نورالدین کیا نوری" - کار ۶۴، متأسفانه یکجا نام آقای علی خاوری حذف شده و صحبت های وی در ادامه صحبت های آقای مصطفی مدنی آمده است. ضمن پوزش از این اشتباه، صحبت های افراد نامبرده را بصورت زیر اصلاح می کنیم.

مصطفی مدنی (در مجله آرش) مقایسه میان کژراهه احسان طبری و خاطرات کیا نوری پاسخ به این سؤال که انگیزه انتشار این کتاب چه بوده است را آسانتر می سازد. کژ راهه احسان طبری به زبان لا جوردی و گیلانی حرف می زند پس باید بر سطر سطر کژراهه ها جای تازیانه دژخیم مانده باشد. تازیانه ای که نه برگردنه تنها یک نادم که برگردنه جامعه ای فرود می آید تا آنرا به عجز و زبونی بکشد. سالهای حیات کژراهه سالهای بربریت و خشونت و یک تازی حکومت بود. این تازیانه اما کار ساز نشد. جامعه در مصاف با غول استبداد سر فرود نیارود و نیروی اندیشه دوباره جان گرفت. در این میانه امثال کژراهه فقط تف سربالار می مانند. انگیزه حکومت هر چه که هست معلول است، انگیزه واقعی

تسلیت

با اندوه فراوان خبردار شدیم که کامییز ۲۲ ساله فرزند آقای مدبری مشترک گرامی نشریه کاربرد ابراحاده ای ناگهانی درگذشته است. مرگ کامییز نا کام را به ما در پیونده اغدارش تسلیت می گوئیم و برای آنها در این روزهای سنگین و دشوار، آرزوی بردباری می کنیم.

توضیح

شماره ۶۵ نشریه کار یاد و هفته تاخیر به دست خوانندگان می رسد. علت این تاخیر بر گزارای سومین کنگره سازمان بود که انتشار به موقع نشریه را ناممکن ساخت. به دلایلی متأسفانه ما قادر نبودیم پیش از این تاخیر را به آگاهی خوانندگان برسانیم.

همچنین در نشریه شماره گذشته طرح منتشره به نام "طرح انحلال جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری موقت آزاد یخواهان ایران" متعلق به الف - آزاد بوده است، که نام ایشان از قلم افتاده است.

گزارش سومین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

سومین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بمدت ۵ روز، از ۶ تا ۱۰ مرداد ماه سال جاری، برگزار شد. این کنگره نیز همچنان که کنگره پیشین مقرر کرده بود، در فاصله زمانی تا دو سال پس از آن برگزار می‌شد.

کنگره با معرفی اعضای شورای مرکزی، منتخب کنگره دوم، و اعلام یک دقیقه سکوت به یاد فدائیان شهید، شهادت راه آزادی و رفیق بهادارملکی - نماینده کهنسال دو کنگره پیشین که در سال گذشته دیده برجهان فروست، افتتاح شد.

از جمع حاضران در کنگره ۵۹ درصد نمایندگان منتخب واحد های تشکیلاتی، ۲۷ درصد نمایندگان مبتنی بر مصوبات عمومی و ۱۴ درصد نمایندگان مدعو بودند.

اجلاس، آئین نامه دومین کنگره را همراه با توضیحاتی که شورای مرکزی بر پایه تجربیات همان کنگره در آن پیشنهاد کرده بود بعنوان مبنای کار خود پذیرفت.

بیشتر شورای مرکزی دستور کار مفصلی را به قرارزیر به کنگره پیشنهاد و این دستور را نسبتا جامع تدارک کرده بود: ۱- بررسی گزارش عملکرد شورای مرکزی و گروه های کار، ۲- تصویب سند "دیدگاهها و آماجهای سازمان"، ۳- بررسی سند "جبهات عمومی برنامه توسعه در ایران" و صدور قرار پیرامون آن، ۴- تصویب سند "خط مشی سازمان"، ۵- تصویب قطعنامه سیاسی، ۶- تصویب سند "موازنه مناسبات تشکیلاتی در خارج از کشور"، ۷- تصویب قطعنامه درباره "مناسبات سازمان با نیروهای اپوزیسیون"، ۸- تصویب قرارداد باره "وظایف سازمان در قبال داخل کشور"، ۹- تصویب قرار مالی، ۱۰- تصویب "طرح دستگاه رهبری" و انتخاب رهبری جدید سازمان.

پیشنهاد های برای حذف پاره ای از موارد فوق الذکر (۱، ۲، ۶) ارائه شدند. کنگره دستور فوق را تماما پذیرفت و بر لزوم رسیدگی به موضوعاتی چون "خط مشی سازمان"، "قطعنامه سیاسی"، "مناسبات سازمان با نیروهای اپوزیسیون"، وضعیت مالی و دستگاه رهبری تاکید کرد. نیز چندین کمیسیون را برای رسیدگی های ضروری به موضوعات فوق برگزید.

بررسی گزارش عملکرد شورای مرکزی و گروه های کار:

گزارش عملکرد دو ساله شورای مرکزی و نیز گروه های کار، بیشتر در اختیار نمایندگان قرار گرفته بود. در گزارش شورا، شرح مواضع و اقدامات شورا در دوره عرصه سیاست و تشکیلات، به تفصیل بدست داده شده و عملکرد دو ساله آن چنین جمع بندی شده است: "در کار جمع بندی عملکرد دو ساله شورای مرکزی سازمان با بدیش و پیش از هر چیز این نکته تاکید کنیم که عملکرد عمومی سازمان در مقایسه با آنچه امروز نیازهای مبارزه از آن طلب می‌کند ناچیز است. بجز آن همه جانبه و دیرپای جامعه مان، بروز حرکت های نسبتا گسترده اما بی سامان و سازمان مردم در این دوره دو ساله، تداوم اختناق و سرکوب جمهوری اسلامی در داخل و خارج از کشور، تنشها و تشنج های مخاطره آمیز در منطقه ما، ... همه و همه وظایف گسترده و خطیری را پیش روی ما قرار می‌دهند. در چنین اوضاع و احوالی هنوز هم قوای واقعی سازمان، ولو که محدود و با دشواریهای متعدد روبرو باشد، به میدان با سخگویی به این الزامات نمی‌آید.

در چارچوب محدودت امکاناتی که در اختیار شورا بوده اند، اما شورا کارنامه دو ساله خود را مثبت ارزیابی می‌کند و بر آن است که کوشش آن برای پاسخگویی به وظایفی که پیش روی داشت مثمر تر نبوده است. شورا بد رستی تحرک سیاسی را در مرکز توجه خود قرار داد. باید تاکید کرد که سطح نازل ارتباط فعال سیاسی با داخل کشور ادامه اثر بخشی اقدامات و برود مواضع سازمان را جدا محدود کرده است. راهیابی برای رفع موانع عظیم بر سر این راه، گامی بزرگ برای گشایش های بعدی در فعالیت سیاسی است. همچنین می‌توان گفت که امروز سازمان بلحاظ تعدد روابطش با نیروهای اپوزیسیون در موقعیت ویژه ای قرار گرفته است؛ اما بهنگام ارزیابی این موقعیت باید ضعف عمومی اپوزیسیون و وجود و بروز تنگنا های در مناسبات بین نیروهای اپوزیسیون را نیز در نظر داشت. شورا در بسط کمی روابطش با نیروهای اپوزیسیون و در بهبود کیفی این روابط کامیابی هایی کسب نمود. اینک تمهیدات برای بسط کیفی این روابط باید فراهم آورده شوند.

وضع در عرصه تشکیلات را می‌توان باز آفرینی نسبی اعتمادها، درد نیاله روندی که از پیش از دوره کار شورا آغاز شده بود جمع بندی کرد. پاسخ تشکیلات به فرخوان مالی، مشارکت بیشتر در فعالیت های تشکیلات کشورها و در امور عمومی در مقایسه با قبل، ...

نشانه های مثبتی در کار تشکیلات بوده اند. ولی این واقعیات نافی بر خورد انفعالی بخش های تشکیلات، چه به فعالیت سیاسی بطور کلی و چه به آنچه شورامی کرد یا می‌طلبید، نیست.

در گزارش شورا فعالیت نا کافی در زمینه تدقیق سیاست ها در مورد بازگشت مهاجرین، عدم سازمانگری فعال و عملی کردن ابتکارها بهنگام کنفرانس اتریش پیرامون وضع حقوق بشر، مورد انتقاد قرار گرفته و تصریح شده پیشرفتهای بیشتر در مناسبات با سایر نیروهای اپوزیسیون و ابتکارهای سیاسی به موقع در این رابطه، اقدام سریعترو وسیعتر برای تخفیف بحران مالی و اتخاذ تدابیری برای تبدیل رابطه گروه کار خارج کشور و تشکیلات کشورها به رابطه ای پراثرتر میسر می‌گردد.

در خاتمه تجربه دو ساله شورا برای ارائه به کنگره چنین جمع بندی شده است: "عدم تجهیز سازمان به دیدگاه های اساسی برنامه ای، بعنوان کمبود بزرگی در سازمان که هر گونه برخورد به مسائل جامعه را محدود می‌کند مورد توجه شورا قرار گرفت و شورا گامی برای تجهیز سازمان به چنین دیدگاه هایی برداشت. باز نویسی سند کنگره دوم درباره آماجها و اهداف، ارائه تحلیل پایه ای از اوضاع سیاسی ایران و جهان و مبتنی بر آن گزارش فشرده سیاسی و قطعنامه سیاسی، ارائه سندی تکمیل و تدقیق شده درباره خط مشی سازمان که در آن زاویه تازه ای در نگاه به وضعیت جامعه مان اختیار شده، تعیین مشی دقیق تر درباره روابط با نیروهای اپوزیسیون که غلبه بر بن بست کنونی در این مناسبات در مرکز توجه آن قرار گرفته است؛ طرح موازنه مناسبات سازمان که حاصل لمس ضرورتها برای بازسازی اساسنامه ای سازمان است، طرح ساختار دستگاه رهبری که تجربه شورا در سازماندهی می‌تواند دستگاه رهبری در خود منعکس دارد، قرار پیرامون وظایف ما در قبال داخل در احوالی که، چنانکه گفته شد، راهیابی در این عرصه گام بزرگ گشایش های آتی است و سرانجام طرح قرار مالی که هدف آن غلبه بر بحران تهدید کننده مالی با مشارکت و تعهد کل تشکیلات است؛ اینها جبهات اساسی تجربه شورا در دوره دو سال فعالیت است.

نمایندگان به اظهار نظر درباره عملکرد شورای مرکزی و گروه های کار پرداختند. عموم سخنرانان کار انجام یافته دوره دو ساله را مثبت ارزیابی کرده و از شورا تقدیر کردند. در سخنرانی ها تاکید بر ضعف های کار شورا در انتظام بخشیدن به تشکیلات و در ایجاد و پیگیری روابط با احزاب و نهاد های خارجی و بین المللی بود. عملکرد گروه های کار نیز در همین چارچوب مورد بررسی و اظهار نظر و تأیید نمایندگان قرار گرفت.

در مورد سند "دیدگاهها و آماجهای سازمان"

زیر عنوان "دیدگاهها و آماجهای سازمان" بیشتر سندی توسط شورای مرکزی تهیه و برای تصویب به کنگره پیشنهاد شده بود (رجوع شود به نشریه کار شماره ۶۳). این سند بر پایه سند "دیدگاهها و آماجهای سازمان"، مصوب کنگره دوم، تهیه شده و کوشش شده بود تا ارتباط ضرور و منطقی در آن با دوسند دیگری که به کنگره ارائه شده بودند، یعنی سند "جبهات عمومی برنامه توسعه" و "خط مشی سازمان"، تأمین شده باشد. در این زمینه، جز این سند، سند دیگری به کنگره پیشنهاد نشده بود. کمیونی که برای کار روی این موضوع تشکیل شده بود، بر اساس رای کنگره سند مذکور را مینا قرار داد و با اعمال تغییراتی در آن، سندی را تهیه و از تصویب خود گذراند و سپس آن را به کنگره ارائه داد. رسیدگی های بیشتر به سند مصوب کمیسیون مذکور میسر نشد و کنگره به تصویب قرار ای در این باره اکتفا کرد. قرار مذکور شورای مرکزی منتخب کنگره سوم را موافقت می‌کند که بر پایه سند مصوب کمیسیون، سندی را تهیه و به کنگره آتی سازمان ارائه کند. در قرار مذکور بر اعتبار مصوبه کنگره دوم در این باره بعنوان مبنای عمل سازمان تاکید شده است.

بررسی سند "جبهات عمومی برنامه توسعه در ایران" و صدور قرار پیرامون آن:

شورای مرکزی منتخب کنگره دوم با تشخیص کمبود بزرگی که در سازمان وجود دارد - یعنی فقدان یک سند برنامه ای که مبتنی بر آن بتوان راههای برون رفت جامعه از توسعه نیافتگی را نشان داد و به ارزیابی سایر برنامه های که از سوی نیروهای مختلف جامعه، اعم از حکومتی یا غیر حکومتی، ارائه می‌شود، نشست - دست به تدارک و اقداماتی برای رفع این نقصان زده بود. در این راستا سندی زیر عنوان "جبهات عمومی برنامه توسعه" تهیه و در نشریه کار شماره ۵۸ منتشر شده بود - شورای مرکزی با ابراز نظر مثبت به این سند و با علم و تاکید به این نکته که دستیابی به یک برنامه توسعه امری فراتر از عهده یک سازمان سیاسی و مستلزم کار وسیع و پژوهشی است، سند

مذکور را جهت بررسی و برای راهگشایی های آتی به کنگره ارائه کرده بود.

سخنرانان غالبا جبهات اساسی سند را تأیید کردند، نواقص آن را نیز از زوایای گوناگون خاطر نشان ساختند. در سرانجام کار، کنگره قرار ای را در این باره تصویب کرد. در این قرار ای کار انجام یافته تقدیر شده و به شورای مرکزی منتخب کنگره سوم وظیفه سپرده است که اقدامات ضروری را بر پایه سند مذکور برای تدوین نهایی سند جبهات عمومی برنامه توسعه بعمل آورده و نتیجه کار را به کنگره آتی ارائه کند.

تصویب سند "خط مشی سازمان":

در این باره پنج سند به کنگره ارائه شده بودند: پیش نویس سند خط مشی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، مصوب شورای مرکزی مندرج در نشریه کار شماره ۶۰ (سند شماره ۱) "واقعیت، انقلاب، سرنوشتی"، مندرج در نشریه کار شماره ۶۱ (سند شماره ۲) "خط مشی مبارزه برای تأمین آزادی و دموکراسی"، مندرج در نشریه کار شماره ۶۲ (سند شماره ۳) "خط مشی سیاسی پیشنهادی برای ارائه به کنگره سوم سازمان"، مندرج در کار شماره ۶۴ (سند شماره ۴) علاوه بر این "طرح انحلال جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری موقت آزاد یخواهان" مندرج در نشریه کار شماره ۶۴ نیز برای ارائه به کنگره منظور شده بود، لیکن در کنگره مدافعی نداشت و از بحث و بررسی خارج شد.

کمیسیون منتخب کنگره برای خط مشی سازمان، با مینا قرار دادن سند مصوب شورای مرکزی و ملاحظه تمایلات ابراز شده، در سند مذکور تغییراتی اعمال کرده و پس از تصویب آن، آن را به کنگره پیشنهاد کرد. نتیجه رای گیری در مورد آنکه کدام سند مینا قرار گیرد بقرار زیر بود:

سند شماره ۴: موافق ۱۶٪، مخالف ۵۷٪، سند شماره ۲: موافق ۵٪، مخالف ۷۶٪، سند شماره ۳: موافق ۲۲٪، مخالف ۵۸٪، سند مصوب کمیسیون: موافق ۶۹٪، مخالف ۱۰٪.

به این ترتیب کنگره سند مصوب کمیسیون را بعنوان سند مینا انتخاب کرد. آنگاه به پیشنهاد های رسیده پیرامون این سند رسیدگی شد. پاره ای از پیشنهادها مورد تصویب کنگره قرار گرفتند. ۵۵ درصد حاضران به کلیت سند رای مثبت دادند و ۱۴ درصد رای منفی. نظریه این که مطابق آئین نامه کنگره اسناد اساسی باید حائز ۶۰ درصد آرا باشند، سند مذکور نمی‌توانست مصوبه کنگره تلقی شود. قرار ای گیری مجدد گذاشته شد. در نتیجه ۵۹ درصد به کلیت سند رای مثبت و ۱۴ درصد رای منفی دادند. در این مرحله کنگره قرار ای را با ۷۹ درصد رای موافق از تصویب گذراند: "کنگره مقرر می‌دارد که تا کنگره آتی سند حائز اکثریت ۵۹٪ رای کنگره، مبنای عمل سازمان قرار گیرد.

تصویب قطعنامه سیاسی:

در جریان تدارک کنگره، شورای مرکزی گزارشی از روند های سیاسی مهم جهان، منطقه ایران در فاصله دو کنگره دوم و سوم را تهیه کرده و بر این مینا قطعنامه سیاسی ای را نیز تنظیم کرده بود. گزارشی مذکور، که خود چکیده گزارش مفصل دیگری بود، تصویری نسبتا جامع از "جهان پس از فروپاشی" سوسیالیسم واقعا موجود و از اوضاع کشورهای مختلف را بدست می‌داد. این گزارش و قطعنامه مبتنی بر آن به کنگره ارائه شده بودند. سخنرانان غالبا جبهات گزارش را مورد تأیید قرار داده و در جهت تدقیق و تکمیل مواضع و ارزیابی های آن تذکرات و نکاتی را مطرح کردند. مشابه اسناد دیگر، در این مورد نیز کمیسیون مربوطه با مینا قرار دادن قطعنامه مصوب شورای مرکزی و با ملاحظه اظهار نظرات صورت گرفته، قطعنامه ارائه شده را تدقیق کرد و برای تصویب در اختیار کنگره قرار داد. بخش اعظم قطعنامه مصوب کمیسیون از تصویب کنگره گذشت و تنها موادی از آن که به مناسبات سازمان با نیروهای اپوزیسیون مربوط می‌شدند مورد رسیدگی قرار نگرفتند. این مواد مضمونا در قطعنامه پیرامون مناسبات سازمان با نیروهای اپوزیسیون آمده اند. از این رو کنگره طی قرار ای به شورای مرکزی منتخب خود اختیار داد بر پایه سایر مصوبات آن، تغییرات ضرور در بخش مذکور را وارد کرده و قطعنامه سیاسی را انتشار دهد.

تصویب سند "موازنه مناسبات تشکیلاتی در خارج از کشور":

در این باره سندی زیر همین عنوان توسط شورای

مرکزی تدوین و تصویب و به کنگره پیشنهاد شده بود (رجوع شود به کار شماره ۶۰). هم چنین سند دیگری بنام "پیشنهاد اصلاحی در رابطه با طرح موازنه تشکیلاتی در خارج از کشور" به کنگره پیشنهاد شده بود (رجوع شود به کار شماره ۶۲).

قریب به اتفاق سخنرانان نیاز سازمان به اساسنامه ای که به موجب آن بتوان به نابسامانیهای موجود در تشکیلات خارج کشور رسیدگی کرد، را مورد تاکید قرار دادند. همچنین غالب سخنرانان با راستا های سند مصوب شورا توافق داشتند. کار تدوین سندی تدقیق و تکمیل شده به کمیسیون سپرده شد. در رسیدگی بعدی کنگره به موضوع، ضمن رسیدگی به پیشنهاد هایی که در کمیسیون پذیرفته نشده بودند، سند تنظیمی کمیسیون، جزئیاتی از آن که به دستگاه رهبری مربوط می‌شد از تصویب کنگره گذشت. تصویب بخش مموذ کورمو کول به تصویب طرحی برای دستگاه رهبری آتی سازمان بود. مورد اخیر موضوع مستقلی در دستور کار کنگره بود. با تصویب طرح برای دستگاه رهبری می‌بایست وجوه کلی آن استخراج شده و در اساسنامه گنجانده شود. در کنگره این فرصت حاصل نشد و کنگره طی قرار ای اختیار اعمال این تغییر را در طرح مصوب کمیسیون، به شورای منتخب سپرد. آنگاه کلیت اساسنامه به رای گذاشته شد. ۷۷ درصد به کلیت سند رای مثبت و ۲ درصد رای منفی دادند.

تصویب قطعنامه پیرامون "مناسبات سازمان با نیروهای اپوزیسیون":

روابط سازمان با دیگر نیروهای اپوزیسیون یکی از موضوعاتی بود که مورد توجه فوق العاده کنگره قرار داشت. این توجه در اظهار نظر نمایندگان پیرامون عملکرد شورای مرکزی منتخب کنگره دوم، در علاقمندی به راههای برون رفت از بن بست موجود در عرصه همکاری میان نیروهای اپوزیسیون و در هنگام تصویب قطعنامه پیشنهادی شورای مرکزی به کنگره در این زمینه، بروز داشت.

سند مصوب کمیسیون، که مبتنی بر طرح ارائه شده از سوی شورا تهیه شده بود، مورد قضاوت کنگره قرار گرفت. سند دیگری که مورد پذیرش کمیسیون واقع نشده بود در این نوبت از کار به کنگره پیشنهاد شد. ابتدا در این باره که کدامیک از اسناد، سند پایه باشد رای گیری صورت گرفت. نتیجه رای گیری به قرار زیر بود:

سند مصوب کمیسیون: موافق ۶۲ درصد، مخالف ۳۴ درصد
سند دیگر: موافق ۳۳ درصد، مخالف ۶۷ درصد
در نتیجه سند مصوب کمیسیون مبنای کار کنگره قرار گرفت. ۷۵ درصد نمایندگان به کلیت سند رای دادند.

تصویب قرار درباره

"وظایف سازمان در قبال داخل":

مساله راهیابی برای رفع موانع عظیمی که بر سر راه ارتباط فعال سیاسی با داخل کشور وجود دارند، و در این راستا تبدیل موضوع داخل کشور به امر عمومی تشکیلات خارج کشور و احیای امکانات باقیمانده تا در میان مدت و بلند مدت حد معینی از اثر بخشی بر روند های داخل کشور میسر گردد "محتوای این موضوع از دستور کار کنگره بود. سخنرانان غالبا بر لزوم توجه به مسائل داخل کشور و مشارکت تشکیلات خارج کشور در پیشبرد امور مربوط به داخل تا کید و رزیده و بر این یا آن وظیفه معین انگشت گذاشتند. آنگاه در مورد مینا قرار گرفتن طرح ارائه شده از سوی کمیسیون رای گیری شد که با ۵۷ درصد آراء موافق و ۱۱ درصد مخالف طرح به عنوان مینا پذیرفته شد. پس از دوری از کار کمیونی، جزئیات قرار نیز به رای گذاشته شدند که با تغییراتی مورد تصویب قرار گرفتند. کلیت قرار نیز با ۶۵ درصد آرای موافق تصویب شد.

پیش از ادامه

گزارش درباره باقی موضوعات پیش گفته دستور کار کنگره، لازم به توضیح است که در نیمه سومین روز کنگره طرحی با یک فوریت از سوی یازده تن از نمایندگان به کنگره پیشنهاد شد. این طرح خواهان بررسی عاجل تنگنا های موجود در سازمان که پیشبرد فعالیت های آن را اکیدا به خود مشروط کرده اند، بود: تنگنا هایی که پیش و پیش از همه بصورت محدود و پنهانی فزاینده منابع انسانی و مالی برای پیشبرد فعالیت های اساسی سازمان، مقدم بر همه انتشار نشریه کار، و سازماندهی دستگاه رهبری آن بروزی می‌باشد.

گزارش سیاسی شورای مرکزی به کنگره سوم سازمان

جهان پس از فروپاشی "سوسیالیسم واقعا موجود"

درد و وسایلی که از کنگره دوم سازمان میگذرد، جهان ما تحولات کم سابقه ای را از سر گذراند که نتوانستیم آن را با تحولات جهان پس از جنگ جهانی دوم مقایسه کرد: تغییرات جدی در جغرافیای سیاسی جهان و پیدایش تعداد زیادی کشور و دولت تازه تاسیس، برهم خوردن موازنه در بسیاری از مناطق جهان، سربر آوردن گرایشها و تضادهای نوین، آشکار شدن و فعال شدن گرایشها و تضادهای سابقا پنهان و از همه مهمتر پایان سیستم قطب بندی دوگانه جهان میان سرمایه داری و "سوسیالیسم موجود". بخش بزرگی از تحولات دو سال اخیر جهان به طور عمده آثار و تبعات مستقیم از هم گسیختن بلوک شرق و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی است.

دو سال پیش و همزمان با برگزاری کنگره دوم سازمان، کودتای اوت مسکو بوقوع پیوست. این حادثه، آخرین تکانه از روندی بود که از چند سال پیش در بلوک شرق آغاز شده بود و به ازمایشیدن این بلوک و سپس اتحاد جماهیر شوروی انجامید. فروپاشی شرق به هر دلیل و به هر شکلی که صورت گرفت، پیامدهایی با ابعاد گسترده و جهانی بی جای گذاشت. پایان موجودیت شوروی در عین حال پایان آن نظم جهانی نیز بود که قریب به ده دهه جهان و تقریبا عموم تحولات آن را زیر تاثیر خود گرفته بود.

این نکته انکارناپذیر است که قبل از فروپاشی نظم جهانی پیشین، تحلیل تضاد سرمایه داری و "سوسیالیسم موجود" به عنوان تضاد اصلی جهان، بواقعیات انطباقی داشت. هر درگیری منطقه ای به علت تلاش یکی از دو اردوگاه یا هر دو آنها برای بهره گیری از آن در پیروزی در حوزه تاثیر قطب بندی دوگانه جهان قرار می گرفت. با حذف این سیستم قطب بندی، اوضاع جهان از دو سال پیش بدین سو به فضای بی می ماند که تاثیر یک میدان مغناطیسی قوی را از روی آن برداشته اند. اجزای این فضا که آن میدان قوی کمابیش آنها را با ثبات و درجه ای معین نگاه میداشت، هنوز حالت با ثبات خود را نیاخته اند و به آرامی با تا تکوین شدن بدین در نوسانند. با این حال جهان در هم برهم و ناپایدار کنونی ما را روئند ها، گرایشها و تضادهای بی رقم می زند که برخی از آنها قابل تشخیص اند.

شمال ثروتمند در ستیز درونی

در طول جنگ سرد وجود اتحاد شوروی در اردوگاه کشورهای پیشرفته سرمایه داری تاثیر وحدت بخش داشت. اکنون از دشمن اصلی که این اردوگاه را به طور یکپارچه ناگزیر از پذیرش یک قطب میکرد، خبری نیست و طبیعتا آن انسجام سابق در بلوک غرب به رهبری آمریکا نمیتواند وجود داشته باشد. ایالات متحده آمریکا می کوشد از قدرت نظامی خود که از دوران جنگ سرد به جا مانده، در جهت جلوگیری از انحلال بلوک غرب و حفظ نقش رهبری خود استفاده کند و عواملی نیز از جمله وجود درگیریهای منطقه ای، به این خواست آمریکا کمک میکند. لیکن عوامل فزاینده ای نیز در درون این بلوک

ادامه از صفحه ۳

کنگره به اظهار نظر درباره فوریت طرح پرداخت ابتدا تنی چند از مسئولان و دست اندر کاران فعالیتهای سازمان در تشریح دشواریهای گریبانگیر سازمان سخن گفتند و بر این نکته که کنگره باید نسبت به عمق و دامنه این دشواریها اشرف باید تاکید کردند. آنگاه پیرامون فوریت بررسی مسأله رای گیری شد. کنگره به آن رای مثبت داد و کوششهای خود را در جنب اجلاسهای خود برای یافتن راههای برون رفت از تنگناها آغاز کرد. طرح مذکور راه را پیش از همه برای حل مسأله دستگا رهبری آن و تامین نیازهای انسانی نشریه کارگشود و اقدامات در کنگره از آن پس در این جهت دنبال شدند.

تصویب قرار مالی

در راستای رفع باره ای از دشواریهایی که فو قاه آنها اشاره شد، شورای مرکزی قرار را در مورد وضعیت مالی و چگونگی تامین نیازهای مالی برای پیشبرد فعالیتهای جاری سازمان تدوین و تصویب و به کنگره پیشنهاد کرده بود. این قرار بود چه معنی را برای پیشبرد فعالیتهای مرکزی سازمان در دو سال آینده پیش بینی کرده و تشکیلات کشورهای را موظف به تامین این بودجه می کرد. توافق عمومی وجود داشت که مشکل مالی باید با تعهد همگی برای تامین نیازهای مالی سازمان رفع شود و هر کس به فراخور توانایی خود در این امر مشارکت ورزد. تعدادی از نمایندگان نیز بر دشواریهایی که برای اجرای طرح در حوزه انتخاباتی شان خواهند داشت اشاره داشتند. عده ای از نمایندگان نیز بر لزوم ضمانتهای اجرایی تاکید می کردند. سرانجام قرار به رای گذاشته شد. کمیسیون مربوطه

وجود دارد که به صورت گریز از مرکز در جهت تلاشی آن عمل می کنند. مهمترین عامل این است که در جهان کنونی تنها قدرت نظامی تعیین کننده سهم کشورهای بزرگ در تقسیم حوزه های نفوذ نیست. توانمندیهای اقتصادی می رود که حرف آخر را بزنند. سالهاست که اقتصاد آمریکای شمالی دیگر قویترین حلقه در جهان سرمایه داری نیست. اروپا و ژاپن به دلیل توانمندی اقتصادی و سهمشان در تولید و تجارت جهانی، سهم بیشتری در تقسیم قدرت میطلبند. هر چند این خواست تاریخی فعالیت تحت الشعاع روند ها و درگیریهای موضعی و منطقه ای است، اما ستیز پنهان و گاه آشکار میان مراکز سه گانه سرمایه داری به شدت جریان دارد و پیرایه زود وضوح بیشتری خواهد یافت. اگر تا پیش از این، نشتیهای سالانه سران ۷ کشور صنعتی به طور عمده صرف هماهنگ کردن اقدامات آنها در مقابل بلوک شرق بود، اکنون عمدتاً محل کشاکش آنها بر سر سهم هر یک در تجارت، منافع و حوزه نفوذ در سطح جهان است. انعکاس این اختلافات را در بر خورد به مسائل منطقه ای و چگونگی حل و فصل آنها و حتی مسائل نظری بنیاد گرای اسلامی یا محیط زیست نیز بوضوح میتوان مشاهده کرد. با این همه، تا این هماهنگی جهان ثروتمند در برابر جنوب فقیر، هنوز هم جایگاه مهمی را در اجلاس های سران ۷ کشور صنعتی اشغال میکند. به طور قطع میتوان گفت که تلاش آمریکا برای نشان دادن جهان یک قطبی به جای جهان دو قطبی در چشم انداز تاریخی محکوم به شکست است و اگر هم به طور مقطعی گذر را به موفقیت های دست یابد، آینده ای ندارد. جهان آینده، جهانی چند قطبی خواهد بود که حداقل سه مرکز قدرت آن ازمه اکنون قابل تشخیص است: آمریکای شمالی، اروپا و خاور دور. اروپا اگر بتواند بر ناسیونالیسم های درون خود غلبه کند با قدرت بسیار بیشتر از وضع کنونی در معادلات جهانی مطرح خواهد شد. پیمان ماستریخت که بعنوان سنگ بنای اروپای متحد به امضای ۱۲ کشور اروپا رسیده است، هنوز با دشواری روبروست. سطوح متفاوت اقتصادی، وجود تضاد های ملی که در بخش شرقی اروپا تا سرحد درگیریهای تمام عیار نظامی گسترش یافته است موانع عمده ای هستند که اجازه نمی دهند پیمان ماستریخت بدون دشواری در مسیر اجرا پیش برود. با این همه، این پیمان از نیروی حمایتی بزرگی در اروپا برخوردار است.

بحران در اقتصاد سرمایه داری

اقتصاد سرمایه داری قریب به دود دهه است که به بحران ساختاری دچار است. ویژگی های این بحران عبارتند از: عدم سوددهی رشته های صنایع مانند فولاد و ماشین سازی، گرایش سرمایه به رشته های سودآورتر مانند امور مالی، خدمات و صنایع پیشرفته اتوماتیک، بیکاری ده ها میلیون نفر که خصلت مزمن به خود گرفته است، قروض سنگین دولتها و بیماری سیستم خدمات اجتماعی و رفاهی. به این بحران اکنون بحران تازه ای افزوده شده است که از هنگام زمامداری جرج بوش و در

پی آشکار شدن تاثیر سیاستهای رونالد ریگان آغاز شده و اکنون تقریبا بدون استثنا همه جهان سرمایه داری را در بر گرفته است. رشد اقتصادی اغلب کشورهای پیشرفته صنعتی منفی است و هم اکنون تنها در اروپا ۱۱ میلیون نفر بیکار وجود دارد که بخش بزرگی از این تعداد در یکسال اخیر شغل خود را از دست داده اند. در عین حال روند خصوصی سازی واحدها و موسسات بزرگ دولتی در اکثر کشورهای عضو "جامعه اقتصادی اروپا" با سرعتی متفاوت جریان دارد.

در برخی نوشته ها و تحلیل ها سخن از "دوران مابعد صنعتی" می رود. اگر هم چنین ارزیابیایی اغراق آمیز باشد، قدر مسلم این است که نقش صنایع بزرگ که بخش بزرگی از جامعه را بکار می گرفتند و محور فعالیتهای اقتصادی را تشکیل میدادند، در حال دگرگونی است. به تبع آن، مبارزات جنبش کارگری خصلت تدافعی به خود گرفته است. اغلب اعتصابات کارگری در دو سال اخیر برای مقابله با تعطیلی کارخانه ها و معادن و بیکاری برپا شده است.

شکاف میان شمال و جنوب عمیق تر می شود

کشورهای در حال رشد - جنوب - کماکان نقش تامین کننده مواد خام و نیروی انسانی ارزان برای شمال ثروتمند را دارند. نظام ناعادلانه سرمایه داری جهانی بهای صادرات جنوب را که عمدتاً مواد خام و قسما تولیدات واسطه ای است نازل نگاه میدارد و در عوض، کشورهای عقب مانده باید درآمد ناچیز خود را صرف خرید کالا های صنعتی گران قیمت از شمال و صرف پرداخت بهره وام های کم رشکنی کنند که برای همین واردات گرفته اند. این نظام ناعادلانه به یکی از مهمترین معضلات بشریت تبدیل شده است و از طریق ایجاد زمینه برای درگیریهای منطقه ای، وادار کردن میلیون ها تن به مهاجرت اقتصادی و بسیاری از اثرات مخرب دیگر، هر گونه گره گشایی در پیشرفت و بهروزی بشریت را منوط به تحول بنیادین در نظام اقتصادی جهانی کرده است. کشورهای "جنوب" که دچار عقب مانگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی اند، از یک سو برای غلبه بر این عقب ماندگی چاره ای جز شرکت در تقسیم کار جهانی و مبادله با شمال ندارند و از سوی دیگر با نظام بشدت نابرابر و غیر عادلانه ای مواجه اند که رشد و غلبه بر فاصله با کشورهای ثروتمند را دشوار میکند.

آنچه تلاش برای توسعه را دشوارتر میکند عقب ماندگی سیاسی کشورهای رشد یابنده است. در اغلب این کشورها دیکراسی یا وجود ندارد و یا با نقایص زیاد عمل میکند. آگاهی در این کشورها نسبت به عوامل و ریشه های عقب ماندگی، راههای درست غلبه بر آن و چگونگی اداره دیکراتیک و علمی جامعه در سطح بسیار نازلی است. بسیاری از جنبش ها و حرکتها در جهت مبارزه با نظام ناعادلانه حاکم بر جهان، به دام افراطی گری و ایدئولوژیهای واپس گرایانه مانند بنیاد گرای مذهبی و ناسیونالیسم کوروشوینیسیم در می غلتند. دیکتاتورها

را کسب کرده بودند. انتخاب شد.

انتخاب شورای مرکزی پایان کار کنگره نبود: به هنگام بحث و تصویب اساسنامه تشکیلات خارج کشور و نیز در ارتباط با تصویب قرار مالی، پیشنهادی در کنگره مطرح شد تا بر این انتخاب کمیسیونی توسط کنگره برای نظارت بر امور مالی سازمان. این پیشنهاد مورد توافق کنگره قرار گرفت. از این رو اعضای کمیسیون نظارت نیز می بایست انتخاب می شدند که این کار توسط کنگره انجام شد. آنگاه کنگره به صدور چندین قرار و قطعنامه پرداخت: قرار در مورد اختیار شورای مرکزی برای تکمیل خود حداکثر تا یکسوم تعداد منتخب در کنگره، قرار در مورد اختیار شورای مرکزی برای صدور و پیام به مردم ایران و به اعضا و هواداران سازمان با نام کنگره، قطعنامه درباره وضعیت زنان در ایران، قطعنامه در محکومیت فشارهای آمریکا علیه کوبا و عراق، قطعنامه همبستگی با مردم برخی از کشورهای درگیر در جنگ.

در پایان، نمایندگان قرار حاکمی از قدر دانی از شورای مرکزی منتخب کنگره دوم و همه رفقای که در بایدار نگاه داشتن سازمان در دو ساله گذشته تلاش کردند، و نیز تقدیرهایت ریسه از اعضای ستاد برگزاری کنگره سوم را با تک زدنهای متعدد تایید قراردادند.

سومین کنگره سازمان مصداق بود با پنجمین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷. نمایندگان کنگره در یکی از شبها به یاد جانباختگان این فاجعه گرد آمدند و یاد رفقای از دست رفته را گرامی داشتند. سخنهایی که در این مراسم گفته شد، همه در جهت زنده نگاه داشتن آرمانهایی بود که رفقای ما در راه آنها جان

مبارزه با امپریالیسم و دشمن خارجی را بهانه تحکیم حکومت خود کامه خود قرار می دهند و این امر از هان بسیاری از نیروهای دمکرات را نسبت به مبارزه با نظام ناعادلانه جهانی که یک ضرورت عینی است، مخدوش می سازد.

گسترش شتابان ارتباطات

بدون شک یکی از مشخصات اصلی جهان کنونی ما، گسترش بیسابقه ارتباطات و اطلاعات در آن است. این روند در یکی دو سال اخیر با شتاب بیش از پیش گسترش یافته است. شبکه های مدرن اطلاع رسانی، افزایش مسافرت و مهاجرت و اضافه شدن بر حجم مبادلات اقتصادی، مرزهای هر چه بیشتری را از میان ملت ها بر میدارد. "افکار عمومی جهانی" در حال شکل گیری است و امید آن می رود که این افکار عمومی را دیگر نه منافع و استراتژی صاحبان رسانه ها، بلکه اطلاعات و آگاهی های واقعی از جهان پیرامون انسان شکل دهد. مردم همه کشورها نسبت به مسائلی که در کشور خود با آن مواجه اند و مسائل عام بشری پیوسته آگاه تر می شوند. افزایش این آگاهی مجال قدرتمندان را برای آنکه با جهان و مردم چنان کنند که می خواهند، کمتر می کند.

فرایند جهانی شدن تولید

بر زمینه گسترش ارتباطات و اطلاعات و مبادلات بازرگانی و نیز از بین رفتن سیستم دو قطبی جهان، روند تولید امکان بیشتری یافته تا هر چه گسترده تر مرزهای ملی را در نوردد و اقتصاد های ملی در بافت تقریبا یکپارچه ای بنام "اقتصاد جهانی" ادغام شوند. این روند با دو گرایش، یکی در کشورهای پیشرفته صنعتی و دیگری در کشورهای در حال رشد تقویت می شود: سرمایه در کشورهای صنعتی بخاطر نیروی کار ارزان و نیز فرار از مقررات حفظ محیط زیست هر چه بیشتر گرایش به این پیدا می کند که مراکز تولید خود را به کشورهای پیرامونی انتقال دهد و تنها مراکز اداری و مالی و خدماتی خود را در کشورهای پیشرفته نگاه دارد؛ در کشورهای در حال رشد نیز در سالهای اخیر روند ادغام با اقتصاد جهانی از طریق خصوصی سازی بخش های وسیعتری از اقتصاد و اصلاحاتی که عمدتاً در چهار چوب فرمولها و توصیه های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول صورت می گیرد، با سرعت ادامه دارد. لیکن فرایند جهانی شدن اقتصاد، بدون مانع و فارغ از تلاطم نیست. تضاد و رقابت میان قطب های عمده اقتصادی از جمله این موانع است. این قطب ها علاوه بر ایجاد موانع بر سر سیر آزاد سرمایه و تجارت، با ایجاد بازارهای منطقه ای و فرا منطقه ای حریم های خاص خود را بوجود می آورند تا از نفوذ رقبا به آن جلوگیری کنند.

مسئله ملی و ناسیونالیسم - جلوه ای تازه

تعادل قوا بین شرق و غرب که دهها سال مرزهای ملی جهان را کمابیش ثابت نگه داشته بود، اینک جای خود را

ادامه در صفحه ۵

با خنند و کنگره در آن شب بار دیگر به این آرمانها اعلام وفاداری کرد.

سومین کنگره سازمان، چنان که دومین کنگره مقرر کرده بود به موقع برگزار شد و با رسیدگی به دستوریه که پیش روی خود نهاده بود، و به اعتباری چیزی هم بیشتر، به کار خود خاتمه داد. برگزاری به موقع کنگره سوم را دیگر نمی توان تضاد فی در زندگی سازمان تلقی کرد. می توان آن را تجلی ولازمه یک دموکراسی نهادی شده در سازمان دانست. این واقعیت در کنگره و در فضای آن نیز متجلی بود: فضایی که اندیشه های گوناگون وجود یکدیگر را تهدید ی برای موجودیت خود حس نمی کنند و در هارا برای تبلیغ خود بسته نمی بینند.

تعدد موضوعاتی که در دستور کنگره قرار داشتند و توفیق کنگره در اخذ تصامیمی پیرامون جهات مختلفه فعالیت سازمان در تجربه سازمان بی سابقه بود: پس از طوفانی از تحولات که همه عرصه های زندگی سازمانی را در نوشته بود این توفیق نشان از آمادگی برای ترسیم همه جانبه و جامع سیمای نوین سازمان بود.

اما فراتر از همه این ها کنگره سوم موجبی برای آگاهی سازمان به موقعیت پیچیده و دشوار خود بود؛ موجبی برای خود آگاهی آن. تا این آگاهی چراغی باشد فراروی آن برای طی طریق در مسیر ناهموار اما تابناکی که پیشاروی نیروهای چپ و دموکرات گشوده شده است.

شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) ۲۱ مرداد ۱۳۷۲

بی‌نیات منطقه و جهان، تلاش حکومت برای دستیابی به تکنولوژی هسته ای آشکارا خطرناک و ماجراجویانه است. تمام قرائن نشان دهنده آنست که رژیم با سماجت تمام در پی دستیابی به تکنولوژی هسته ای است. این ادعا که این کار برای مقاصد صلح جویانه و تامین انرژی است، اعتبار چندانی ندارد.

وبالاخره ماجراجوییهای حکومت اسلامی در سودان، لبنان و دیگر کشورهای مسلمان برپا به سیاست صدور نیاید گرای یکی از مسائل مهم و حساسیت برانگیز در منطقه و جهان است. هر چند حکومت در ارتباط با مناطقی چون آسیای میانه و قفقاز آسیاست به ظاهر خوشبینانه دارانه و معقول پیرو می‌کند، لیکن این موضع بیشتر ناشی از ناتوانی وضعف حکومت است نه به خاطر پذیرش موازین بین‌المللی و احترام به حق حاکمیت دیگر کشورهای آزادی‌سوی آن. اگر رژیم اسلامی از شرایط سخت داخلی و بین‌المللی خود فراعغت خاطر داشت، اکنون مشغول تر کثاری در این مناطق برای احیای اسلام فتوایی بود.

آثار و تبعات چنین رویه یا حداقل تمایل و علاقه ای از جانب رژیم اسلامی، این است که مناسبات بسیاری از کشورهای منطقه با کشور ما در وضع غیر عادی قرار دارد. در ارتباط با ترکیه علاوه بر این، وجود رقابت میان دو کشور در آسیای میانه و قفقاز به حساسیت مناسبات افزوده است. اکنون پانترکیسم ترک‌ها یا بنیادگرایی از جانب حکومت اسلامی روبروست. نمیتوان از نظر دور داشت که اگر روابط به ظاهر آرام ولی در پنهان متشنج کنونی به سطوح خطرناکی فراروید، مخاطرات جدی هر دو کشور را تهدید می‌کند.

وضعیت عمومی مردم

طی دوره مورد گزارش، فقر و فاقه در جامعه با زهم افزایش یافت و اختلافات طبقاتی بگونه باور نکردنی تعمیق پیدا کرد. روند تورم نه تنها مهار نشد بلکه سیر صعودی قیمت‌ها با شتاب غیر قابل کنترل پیش رفت، ابعاد بی‌کاری دامنه گرفت و بر مشکل مسکن دوچندان افزوده شد.

میلیونها مردم از بام صبح تا شام شب میدوند و جان میکنند اما باز در مسابقه با قیمت‌ها بازانده هستند. این فلاکت عمومی در حالی است که فشر کوچکی در جامعه واقعا نمی‌دانند یا پول‌های باد آورده از طریق غارتگری تجاری و اختلاس‌های دولتی را چگونه پاره کنند.

در این دوره در عین فشار بر زنان و تحمیل قیودات ارتجاعی نسبت به دوره دو ساله اول ریاست جمهوری رفسنجانی افزایش یافت. خامنه‌ای دوباره بسیجیها را به میدان آورد و خیا‌ها و میادین به قرق حزب الله درآمد و مجلس شورای اسلامی بهار امسال لایحه امریه معروف ونهی از منکر را تصویب کرد تا بسیجیها رسماً جزو فعالین داد گستری بحساب آیند.

فشار بر روشنفکران، متخصصان و هنرمندان نیز در این دوره بویژه در طول سال ۷۱ به نحو چشمگیری افزایش یافت. سال ۷۱ سال فشار علیه مطبوعات غیر دولتی بود.

اما علیرغم موفقیت‌هایی که واپسگرایان در عرصه فشار بر زنان و جامعه روشنفکری بدست آورده‌اند، تا کنون نتوانسته‌اند جوشش فرهنگی جامعه را از رونق ببندازند. ما فعالیتهای فرهنگی - سیاسی را در خدمت جنبش دمکراسی و ترقیخواهانه ارزیابی کرده و از آن حمایت میکنیم.

زحمتکشان

کارگران در شرایط فوق‌العاده سخت بسر می‌برند. بر اثر اجرای سیاست "تعدیل اقتصادی" موج اخراج کارگران از کارخانه‌ها دامنه گرفت، شدت کار بیشتر شد و کارفرمایان و مدیران علیه دستاورد های کارگران طی سالهای گذشته بویژه قانون کار مصوب مجلس دست به تعرض همه جانبه زدند. در چنین شرایطی طبیعی است که خصلت جنبش کارگری تدافعی و صرفاً مقاومت در برابر یورش ناشی از تعدیل اقتصادی باشد.

موقعیت اجتماعی کارمندان مرتباً نزول می‌کند. پایین بودن سطح حقوق، تورم سرسام آور، مشکل مسکن و دیگر فشارهای اقتصادی و در کنار آنها تشدید موج فشار فرهنگی به افزایش نارضایتی در میان آنها دامن می‌زند.

در طول برنامه پنجاهه اول بخش کشاورزی از بیشترین نرخ رشد برخوردار بوده و بالنتیجه سطح زندگی بخش‌هایی از کشاورزان و دامداران بالا تر رفته است. با تضییقات اخیر بویژه با افزایش بهای کود و سموم نباتی تا ۱۰ برابر و چند برابر شدن قیمت ماشین آلات کشاورزی به این احتمال که در آینده نزدیک دهقانان با مشکلات تازه‌ای روبرو شوند، قوی است.

در ترکیب جمعیت شهرها، مرتباً بر سهم حاشیه‌نشینان افزوده میشود. حاشیه‌نشینان در سختترین شرایط زندگی می‌کنند. در دوره مورد گزارش ما، مهمترین مشغله شهرداریها مسائل آلودگی‌ها بوده و بیشترین تنشهای شهری در حلقه آبادها رخ داده است: زمینه اصلی شورش‌های اراک و مشهد همین بوده است.

اقلیت‌های ملی و مذهبی تحت ستم

سرکوب مطالبات و جنبش‌های ملی کماکان ادامه دارد. آنچه که در دو سال گذشته بر حساسیت رژیم نسبت به مسئله ملی افزود، تحولاتی بود که پیرامون ایران رخ داد. ایجاد حکومت خودمختار کردستان در شمال عراق، پدید آمدن دو کشور مستقل آذربایجان و ترکمنستان در شمال و غرب کشور به مسئله دیرپای ملی در میهنان ابعاد تازه‌ای داده و نگرانی رژیم را دوچندان افزایش داده است.

کردستان، همچنان از مراکز اصلی استقرار نیروهای نظامی رژیم است. شورش یکپارچه مردم بوکان در اواخر بهار سال ۷۱ علیه نیروهای سرکوب، بازتاب خشم خلق کرد نسبت به رژیم بود. رژیم اسلامی سیاست سنتی خود و مخصوصاً حزب دمکرات کردستان ایران است، در دو سال گذشته با شدت بیشتری ادامه داده است. واقعه ترور برلین و حملات چند ماهه زمینی هوایی به کردستان عراق که متوجه انهدام پایگاه‌های حزب دمکرات کردستان ایران می‌باشد، نشان میدهد که رژیم راه مطیع کردن مردم کرد را در نابودی احزاب سیاسی این مردم جستجو میکند.

در بلوچستان درگیریهای رژیم با ایل‌های بزرگ بومی ادامه دارد. گروه‌های مسلح قاچاقچی نیز به درگیری‌های خود با ماموران رژیم رنگ ملی میدهند و از این طریق بخش قابل توجهی از جوانان طوایف بلوچ را جذب دستجات خود می‌کنند. در ترکمن صحرا، فضای بی‌اعتمادی رژیم به ترکمن‌ها همچنان حاکم است. طی دو سال گذشته موارد متعددی از انتقال و حتی برکناری کادری‌های اداری ترکمن وجود داشته است. درگیریهای پراکنده ماهیگیران ترکمن با ماموران حکومتی، جنبه ملی می‌یابد. در آذربایجان با وجود اینکه تمایلات ملی جنبه حاد ندارد با این همه، توجه به فرهنگ آذربایجانی در سالهای اخیر رشد قابل ملاحظه‌ای نموده و در همین حد توجه حکومت را جلب کرده است. آنچه که در این میان جلب توجه میکند، کشش بخشی از جوانان اسلامی به آذربایجان گرای است.

در رابطه با اقلیت‌های مذهبی، تبعیضی در دوره حکومت نسبت به دوره قبل، چه در جهت تشدید فشار و چه در سمت کاهش آن دیده نمیشود.

روند مناسبات مردم و حکومت

از مهمترین مشخصه‌های دوره مورد گزارش، فروریختن توهم بخش بزرگی از مردم نسبت به حکومت و رفسنجانی و فاصله‌گیری آنها از رژیم بود. نتایج انتخابات مجلس چهارم و انتخابات ششمین دوره ریاست جمهوری و نیز شورش‌های مردم در سه شهر بزرگ نشان داد که مناسبات تازه‌ای بین مردم و رژیم در حال شکل‌گیری است. در انتخابات ریاست جمهوری نیمی از مردم بپای صندوق‌های رای نرفتند. در حالیکه در دوره قبلی انتخابات ریاست جمهوری ۷۰ درصد واجدین شرایط شرکت کرده بودند.

اما نارضایتی مردم از حکومت تنها در شکل امتناع از شرکت در انتخابات حکومتی نیست. در سال ۷۱ در شهرهای شیراز، اراک، مشهد و بوکان شورش‌هایی رخ داد که از بسیاری جهات در طول حیات رژیم بی‌سابقه بود. این شورش‌ها خود جوش و خودانگیخته بودند و در اشکال خشن و قهر آمیز تظاهرات یافتند. سمت آنها مشخصاً متوجه رژیم و نهادهای وابسته بان بود و در آنها "جانبازان" و حتی بسیجی‌های سابق شرکت موثری داشتند. این شورش‌ها نیروهای انتظامی رژیم را غافلگیر کرد. شهر مشهد تقریباً یکروز از کنترل دولت خارج شد. در شورش مشهد بیش از ۱۰۰ ساختمان دولتی مورد تهاجم قرار گرفت و دو پایگاه نیروهای انتظامی خلع سلاح شد و میلیون‌ها تومان خسارات وارد آمد. رژیم متقابلاً با خشونت و بیرحمی تمام با تظاهرات کنندگان برخورد کرد و عده زیادی را دستگیر و تعدادی از آنها را سریعاً اعدام نمود.

در عین حال در این مدت تظاهرات زیادی در شهرهای مختلف صورت گرفت، از جمله تظاهرات ۸۰ ساعته دوهزار نفر از اهالی یافت آباد تهران، تظاهرات پرادمانه مردم جعفرآباد کرمانشاه، تظاهرات متعدد آلودگی‌نشین‌ها در تهران و سایر شهرهای بزرگ. رژیم اسلامی در هر اس از حرکات اعتراضی مردم، بسیجی‌ها را برای مقابله با مردم بمیدان آورد. روند‌های طی شده حاکی از بی‌اعتمادی رژیم و مردم به هم و تقابل آنها با یکدیگر است.

از نظر ما، شورش‌ها و عصیانها نتیجه گسترش و تشدید فقر در جامعه و تدوام استبداد در کشور است که اجازه نمی‌دهد مردم به طرق مسالمت آمیز اعتراض‌های خود را بیان کنند. ما اعتراض‌های مردم محروم علیه گرانی لجام گسیخته، بی‌مسئولیت‌های بی‌کاری، سطح پائین دستمزدها و حقوق‌ها و دیگر محرومیت‌های اقتصادی و

گزارشها و اسناد کنگره سوم

اجتماعی را بر حق می‌دانیم و از خواستها و مطالبات مردمی دفاع می‌کنیم. ما بر آنیم که این حرکات می‌تواند و باید رژیم را به عقب نشینی در برابر مطالبات مردمی وادار سازند و باید این حرکات را به حرکات سازمان یافته در خدمت جنبش دمکراتیک قرار داد.

اپوزیسیون

رژیم در مناسبات خود با اپوزیسیون، طی دوره مورد گزارش همچنان اصل عدم تحمل مخالفان و شیوه سرکوب فیزیکی آنان را بکار گرفت حتی می‌توان گفت که نسبت به سالهای ۶۹ و ۷۰ بر شدت عمل و ترورهای خود افزود.

حکومت اسلامی در سال ۷۱ به فعالیت‌های تروریستی خود در خارج از کشور ابعاد تازه‌ای داد: بمباران پایگاه مجاهدین، قتل فریدون فرخزاد در برن، ترور شرفکنندگی دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران و سه تن از یاران او، حمله به اتوبوس حامل ۴۰ نفر از مجاهدین در عراق و قتل آنها، قتل چند نفر از پلوج‌های مخالف رژیم در پاکستان، ترور محمد حسین نقدی مسئول سازمان مجاهدین در ایتالیا، ترور محمد حسین ارباب از کادرهای این سازمان در کراچی، حملات هوایی به پایگاه‌های حزب دمکرات کردستان در شمال عراق و سازمان مجاهدین در ۷۰ کیلومتری بغداد.

در عین حال رژیم در کنار ترور و سرکوب، جنگ سیاسی و روانی گسترده‌ای را علیه اپوزیسیون پیش برده است. وزارت اطلاعات بطرق مختلف می‌کوشد بر روند‌های درون اپوزیسیون تاثیر بگذارد.

یکی از مشغله‌های رژیم در بر خورد با اپوزیسیون، اعتراض گسترده در سطح بین‌المللی علیه نقض حقوق بشر در کشور است. افکار عمومی جهان، حکومت اسلامی را بعنوان رژیم شکنجه‌گر و بیرحم و تروریست می‌شناسد. در این دوره، رژیم اسلامی با خطر نقض شدید حقوق بشر، دهها بار توسط نهادهای، محافل و مجامع بین‌المللی محکوم شد. در این مدت سرزمین و چهارمین گزارش گالیند و پل انتشار یافت و خشم رژیم اسلامی را برانگیخت.

باید خاطر نشان کرد که مخالفت با رژیم با خطر نقض شدید حقوق بشر و مبارزه برای رعایت آن، یکی از جهات اصلی و موثر مبارزه علیه رژیم مستبد حاکم است. سازمان درد و سال گذشته در این جهت کوشیده است.

تحولات عمومی در صفوف اپوزیسیون اپوزیسیون در این مدت هم نتوانست برای حل بحران ریشه دار خود راه چاره بیابد و بن بست را بشکند. با این همه حرکت عمومی اپوزیسیون در دوره مورد گزارش، نسبت به دوره قبل با بعضی تحول‌ها و برخی همگرایی‌ها همراه بوده است. در یک نگاه گذرا به حرکت اپوزیسیون می‌توان دید که بدلیل روندهای منفی در حکومت، امید به اصلاحات رفسنجانی تضعیف شده و بخشهای بیشتری از اپوزیسیون به مبارزه با کل حکومت روی آورده است. افزایش محسوس در همسویی و همبستگی سیاسی بوجود آمده و نیز ارتباطات متنوع فکری و سیاسی در بین بخش‌هایی از اپوزیسیون خارج از کشور گسترش یافته است.

تقویت روحیه تحمل دگر اندیشان و پذیرش موجودیت یکدیگر و بازتاب آن در اشکال برگزاری سمینارها، میزگردها و موضع‌گیری‌های مشترک بیشتر شده است. مبارزه علیه نقض حقوق بشر در ایران و دفاع از اجرای حقوق بشر در فعالیت اپوزیسیون وزن بیشتری یافته است.

از نظر بین‌المللی، فضای مساعد تری برای برآمدن اپوزیسیون رژیم فراهم آمده است. تقویت روح همکاری در سطوح بدنه تشکلی‌های سیاسی و همکاری فزاینده بین آنها در اشکال متنوع گسترش یافته است.

وبالاخره موضع‌گیری‌های مشترک سیاسی در شکل همکاری احزاب سیاسی و منفردین سیاسی در سطحی از اپوزیسیون به اجراء آورده است. با همه اینها باید تاکید کرد که شاخص اصلی اپوزیسیون بطور کلی پراکندگی سیاسی و ضعف جدی آن در تاثیر گذاری بر روند‌های سیاسی کشور است.

نتیجه‌گیری

نتایج روند‌ها و داده‌های اقتصادی طی دو سال گذشته، تا کما می‌های برنامه پنجاهه اول جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشت و نشان داد که مهمترین پیش شرط هر تحول اقتصادی در کشور، دگرگونی ساختار سیاسی حاکم بر میهن ما است. در شرایطی که قدرت سیاسی کشور با ولایت فقیه تبیین میشود و هسته اصلی پایگاه اجتماعی رژیم حاکم را نیروهای واپسگرا تشکیل می‌دهد، برنامه رشد نمی‌تواند قربانی استبداد، قسری‌گری و ماجراجویی نشود.

بیا مد شکست سیاست‌های مصلحت‌گرایانه رفسنجانی، موقعیت کسانی را در هر قدرت سیاسی حاکم تقویت کرد که بر نیروی اجتماعی اصلی حکومت یعنی واپسگرایان تکیه داده‌اند. مشی واقع‌گرایی که در مرحله خیز و رونق خود بخشی از آرمانخواهان اسلامی را از مسند قدرت به زیر کشاند، به مرحله رکود که رسید در برابر بخش دیگری از افراطیون اسلامی پیشانی بر خاک سائید. افراطیونی که در مقایسه با آرمانخواهان پیشین، فاقد سمیتگیری پیشینینند و مظهر بدترین نوع تحجر و استبداد مذهبی هستند. با اینهمه، گرد و خاک که توسن سرکش حزب الله در کشور پها کرده است، بهیچ رو نمی‌تواند این معضل رژیم را که معضل مرکزی آن نیز هست، تحت الشعاع قرار دهد. بن بست سیاسی و برنامه‌ای در حکومت که مشخصه لحظه کنونی است، با زتاب دهنده این واقعیت می‌باشد.

تشدید عملکردهای جهان ستیزانه جمهوری اسلامی بر زمینه توسعه بنیادگرایی اسلامی در بخش‌هایی از جهان و سیاست‌های زورگویانه آمریکا و متحدین آن از سوی دیگر، وضع متشنج و شدت بی‌ثباتی را در پیرامون ایران پدید آورده است. کشور ما هیچگاه در چنین وضع شکننده‌ای قرار نگرفته بوده و هرگز تا این حد به لبه پرتگاه مهلکه‌های پد فرجام نژدیک نشده بود. خطر گسست ملی و تجزیه ایران بر زمینه بحران سیاسی در پیرامون کشور که می‌تواند به سهولت به درگیری‌های نظامی سنگین فرا برود، کاملاً جدی است.

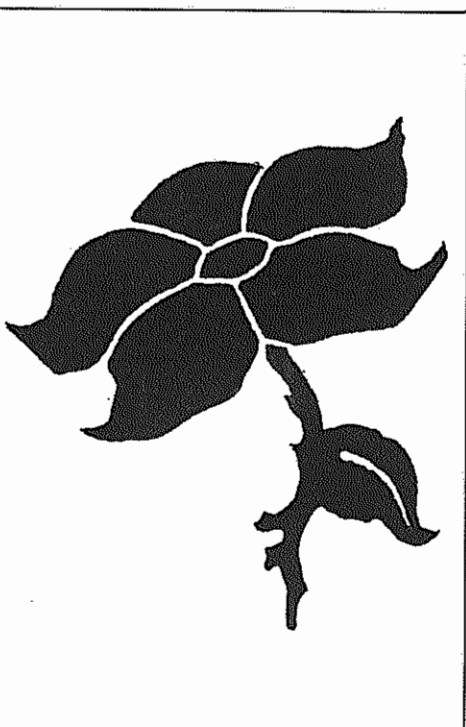
گسست اجتماعی بر زمینه تشدید فقر و فاقه، در حال تعمیق است. فلاکت اجتماعی در سیمای عدم قدرت خرید، بی‌کاری، بی‌مسئولیت‌های شوری‌های معیشتی از یکطرف و در چهره فقدان امنیت، بی‌حقوقی و تحمل انواع فشارها توسط واپسگرایان مستبد از طرف دیگر، پنجه خود را هر روز تیزتر از روز قبل بر پیکر جامعه می‌کشد و دهها میلیون ایرانی را با مشت سنگین خود فرومی‌کوبد. انواع بیماری‌های اجتماعی که زائیده این فلاکت اجتماعی است، جامعه ما را ناتوان ترمی‌کند و از پا می‌اندازد.

در دو سال گذشته، بسیاری از توهمات در جامعه نسبت به حکومت فروریخت. اکنون، مردم با سرعت شگرفی حکومت را تنها می‌گذارند؛ زبان به انتقاد از کل حکومت می‌گشاید و از خود روحیه پر خاش و اعتراض قاطع نشان می‌دهند. بخش قابل توجهی از آنها بی‌که در سالهای گذشته جزو پایگاه اجتماعی رژیم محسوب می‌شدند، اینک در جبهه اعتراض و انتقاد نسبت به رژیم قرار دارند. حکومتگران از رشد بحران در مناسبات خود با مردم بشدت بیمناکند.

رژیم که با کابوس بحران همه جانبه دست به گریبان است، سیاست از پا انداختن اپوزیسیون را جدی تر از قبل تعقیب می‌کند. سرکوب فیزیکی، و جنگ سیاسی - روانی حربه‌های اصلی رژیم در برخورد با اپوزیسیون است. این در حالیکه که در خود اپوزیسیون، اراده برای عمل و عمل در شکل اتحاد هنوز آن انداز نیست که توجه مردم معترض به حکومت را برانگیزاند. اپوزیسیون، برای غلبه بر بحران عدم پیوند جدی با جنبش بالفعل و بالقوه ترقیخواهانه و دمکراتیک جامعه راه دراز را در پیش دارد.

وضع کشور نمی‌تواند به شکل کنونی دوام یابد. حکومت، هم در درون خود، هم در مناسبات با مردم و هم در رابطه با جهان دچار مشکلات جدی شده و اوضاع در کشور، آستن تحولات سیاسی است. در این میان یک نقطه قطعی است: حاکمیت ولایت فقیه، ثبات پیشین را ندارد و نخواهد یافت.

پایان



خط مشی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

معضل دیرپای جامعه ما توسعه نیافتگی است. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به عنوان نیروی مدافع و مروج دموکراسی، تجدد، پیشرفت و عدالت اجتماعی، تلاش در راه غلبه بر موانع توسعه را در صورت وظایف خود قرار می دهد. فعالیت ما در خدمت زمینه سازی و پایه ریزی برنامه توسعه و اجراء آن است. در راستای تحقق این سمگتگیری، سازمان سلطه و نفوذ اقشار انگل و غارتگر در اقتصاد کشور و خصلت فقهائی و استبدادی جمهوری اسلامی و سیاستهای حاکم بر آن را مغایر منافع مردم و مصالح کشور می شناسد و خواهان دگرگونی ساختار سیاسی حاکم بر کشور و نیز تحول دموکراتیک در فرهنگ و نهاد های سیاسی جامعه است. مبارزه سیاسی و فکری با رژیم حاکم، کار سیاسی و فکری - فرهنگی گسترده برای ایجاد زمینه های دگرگونی دموکراتیک در جامعه، و تلاش در راه متحول کردن فرهنگ سیاسی در کشور جهات اصلی خط مشی سازمان است.

رژیم جمهوری اسلامی، جامعه ما را از جهات مختلف به عقب برده و مانعی جدی در راه تحقق دموکراسی، تجدد، پیشرفت و عدالت اجتماعی در کشور است. با ادامه حاکمیت این رژیم دورنمای برای تحقق اهداف فوق وجود ندارد. لذا مردم ایران برای رسیدن به دموکراسی، تجدد، پیشرفت و عدالت اجتماعی، ناگزیر از سلب حاکمیت از حکومتگران مستبد و فقهائی و استقرار حاکمیت مردم مبتنی بر دموکراسی به جای رژیم حاکم هستند. رای آزادانه مردم باید نوع حکومت و قانون اساسی را تعیین کند. سازمان ما جمهوری مبتنی بر دموکراسی را یگانه شکل مناسب و ضرورت نظام حکومتی برای ایران می داند. مبارزه برای این هدف از ارکان اساسی خط مشی سازمان ما است.

در مضمی سیاسی ما، مبارزه علیه استبداد و برای تامین آزادی های سیاسی و اجتماعی نقش محوری دارد. ما برای پیشبرد این خط مشی، بر تحکیم با مردم، روشنگری، بسیج و سازماندهی توده ها تا کید داریم. ما دفاع از حقوق اجتماعی - اقتصادی مردم و حمایت از مطالبات و مبارزات ترقی خواهانه آنها را از وظایف مهم خود می دانیم. ما می کشیم ناراضی بی و مبارزه مردم علیه رژیم، در جهت تحولات دموکراتیک و ترقی خواهانه

سمت گیرد و رژیم را هر چه بیشتر به عقب نشینی وادارد. برای ایجاد تحول دموکراتیک در کشور، دگرگونی اساسی در فرهنگ سیاسی کشور امریست ناگزیر و از این رو روشنگری و مبارزه با هر نوع گرایش و حرکت واپسگرایانه و مستبدانه سنتهای استبداد ریشه دار، جهل و خرافات، انحرافات و بد آموزیهای سیاسی در میان مردم و نیروهای سیاسی کشور از اهم وظایف ما است. حرکت فرهنگی ترقی خواهانه و دموکراتیک جاری در کشور، جریان رو به گسترش علیه اندیشه های ارتجاعی و سرکوب گرایانه است. سازمان ما این حرکت را از اشکال موثر مقابله جامعه با تحمیلات واپسگرایانه رژیم ارزیابی می کند و مشارکت در این حرکت فرهنگی و حمایت از آن را جزو وظایف خود می داند. ما از تلاش در جهت اداره علمی کشور و نهاد های حکومتی، و از تلاش برای عرفی کردن شئون کشور که هر دو از فراگیرترین اشکال مقابله جامعه با حاکمیت فقه است، پشتیبانی می کنیم. و بازتاب این تلاشها را در حکومت جمهوری اسلامی به سود جامعه می دانیم. رفع موانع بازگشت مهاجران به کشور برای حضور و فعالیت و مشارکت موثر آنان در امر بازسازی به سود کشور است. سازمان در راه رفع موانع موجود بر سر راه بازگشت مهاجرین تلاش می کند. سازمان مادر راه شکل گیری جبهه ای از جمهوریخواهان دموکرات مبارزه می کند. مادر راه رسیدن به چنین جبهه ای همکاریها و اتحاد های دو جانبه و چند جانبه بین نیروهای دموکراتیک ملی و چپ را ضروری دانسته و برای تامین آن مبارزه می کند.

برای تحقق دموکراسی، تجدد، پیشرفت و عدالت اجتماعی در کشور، به حضور موثر و متشکل چپ دموکرات در جامعه نیاز است. ما مبارزه به خاطر نزدیکی نظری و عملی نیروهای چپ ایران را از وظایف خود می شناسیم. سازمان ما سیاست اتحاد عمل با همه بخشهای اپوزیسیون علیه نقض حقوق بشر و اقدامات سرکوبگرانه رژیم در برابر مخالفان خود را فعلا نه پیگیری می کند. طیفی از نیروهای مذهبی در جهت پذیرش دموکراسی و حاکمیت قانون، و تعهد به آن حرکت می کنند. ما با این

روشنفکران مذهبی سیاست بحث و گفتگو در پیش می گیریم و ضمن مخالفت با مواضع منفی آنها، در جهت تقویت مخالفت آنان با استبداد مذهبی حاکم و تقویت مواضع مثبت شان می کشیم. مادر مبارزه علیه رژیم سمت اصلی مبارزه خود را متوجه قشری ترین و سرکوبگرترین مواضع و گرایشها در حکومت می کنیم. سازمان ما مدافع حق موجودیت و فعالیت سیاسی همه جریانهای سیاسی و فکری کشور و امکان مشارکت آنان در انتخابات و مدیریت جامعه بر اساس رای مردم به شرط اعلام تمهید و پای بندی به حقوق مخالفان می باشد. ما خواهان دموکراتیزه شدن مناسبات بین نیروهای سیاسی کشور هستیم و در این راه تلاش می کنیم. برای آنکه تحولات سیاسی کشور در جهت استقرار دموکراسی جریان یابد لازم است مبارزه سیاسی و فکری با هر شکل از حکومت دینی و سلطنتی و هر گونه سیادت ایدئولوژیک ادامه یابد.

سازمان ما در پیشبرد مضمی سیاسی خود می کوشد از امکانات و فشارهای بین المللی در جهت مصالح دموکراسی و منافع ملی کشور بهره گیرد.

ما برای رسیدن به ایرانی دموکراتیک و فدرال که در آن همه ملیتها و اقوام کشور خود را عضو بر حقوق میهن واحد بدانند، علیه هر شکلی از ستم ملی در کشور از یک سو و برای یکپارچگی ایران و مقابله با هر نوع توطئه خارجی علیه تمامیت میهنمان از سوی دیگر توأمان مبارزه می کنیم.

در مبارزه علیه رژیم خود کامه، ما بر کاربست اشکال سیاسی و مسالمت آمیز مبارزه تا کید داریم. سازمان ما می کوشد مبارزه با رژیم از طریق فعالیت سیاسی گسترده و متشکل و حتی المقدور در اشکال مسالمت آمیز به نتیجه برسد. ما با تروریسم به هر شکلی و به خاطر هر هدفی و از سوی هر نیرویی مخالفیم. سازمان ما برای گذار از استبداد حاکم به دموکراسی و نهادی شدن دموکراسی در کشور بر انتخابات آزاد تا کید می کند و برای تحقق آن می کوشد. از جمله پیش شرطهای تحقق انتخاب آزاد تا مین آزادیهای سیاسی ویژه آزادی مطبوعات و احزاب سیاسی در کشور، و تعهد به رعایت این آزادیها از سوی هر شرکت کننده در انتخابات است.

قرار کنگره سوم

در مورد اوضاع منطقه

کنگره سازمان با ابراز نگرانی شدید از تحریکاتی که توسط قدرتهای بزرگ علیه کشور ما در منطقه صورت می گیرد، مردم و حکومت را به هشدار ای کید و احساس مسئولیت جهت خنثی کردن این توطئه ها فرا می خواند. تلاش برای متشنج کردن هر چه بیشتر منطقه خلیج فارس به منافع همه ملت های منطقه آسیب می رساند و خطرات بزرگی را متوجه صلح و امنیت جهانی می سازد.

قرار کنگره سوم در مورد پشتیبانی از مردم کوبا و عراق

کنگره محاصره اقتصادی کوبا توسط آمریکا و برخی دیگر از قدرتهای بزرگ را محکوم می کند و آن را تجسمی خشن از دخالت غیر قانونی در امور دیگر کشورها می داند. همچنین کنگره سازمان ما بهره گیری از محاصره همه جانبه اقتصادی علیه عراق که قبل از همه باعث فجایع غیر قابل شمارد در زندگی مردم آن کشور شده است را محکوم می کند.

قرار همبستگی کنگره سوم

با مردم کشورهای قربانی جنگ

کنگره نسبت به مردم افغانستان، سومالی، جمهوریهای یوگسلاوی سابق، لبنان، فلسطین و دیگر ملیتها بی که هر کدام به نوعی در شرایط فاجعه باری بسر می برند ابراز همدردی می کند و نگرانی عمیق خود را نسبت به تحریکات و دخالت های ناشی از منافع قدرتهای بزرگ در منازعات داخلی این کشورها ابراز می دارد. قدرتهای بزرگ در منازعات داخلی این کنگره بر این است که از این فجایع می توان و باید با اتکاء به راههای سیاسی و دیپلماتیک جلوگیری کرد.

قرار درباره

"وظایف سازمان در قبال داخل"

۱- کنگره سوم سازمان توجه جدی به مجموعه مسائل داخل کشور را مورد تا کید قرار می دهد.
۲- شورای مرکزی منتخب کنگره موظف است در پاسخ به الزامات ناشی از مصوبات کنگره، اقدامات ضرورت در قبال داخل کشور را به اشکال مقتضی به عمل آورد.
۳- کنگره بر وظیفه مشارکت همه اعضا و هواداران سازمان در خارج از کشور جهت پیشبرد مجموعه اقدامات و رهنمودهای شورا در رابطه با داخل تا کید دارد.

قرار در مورد سند

"دیدگاهها و آماجهای سازمان"

کنگره، شورای منتخب را موظف می کند که با توجه به نظرات و پیشنهاد های ارا به شده در کنگره پیرامون سند آماجها و دیدگاهها، این سند را در دستور کار خود قرار داده و حاصل کار را برای تصویب به کنگره آتی ارایه دهد. سند "دیدگاهها و آماجهای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)" مصوب کنگره دوم، همچنان مبنای عمل سازمان است.

قرار در مورد سند

"جهات عمومی برنامه توسعه"

کنگره ضمن ارزش گذاری بر کار و تلاشی که برای تهیه و تنظیم سند "جهات عمومی برنامه توسعه" انجام گرفته است، به شورای منتخب وظیفه می دهد بحث روی سند در سازمان و در جامعه را پیگیری کند، تا پس از تصحیح و تکمیل آن، برای تصویب به کنگره آتی ارایه شود.

موازی مناسبات تشکیلاتی در خارج از کشور

۱۹- اعضای واحدهای سازمانی یا حق رای مساوی نمایندگان کنگره را انتخاب می کنند.
تبصره ۱- تعداد مد عوبین به کنگره حدا کثر یک چهارم نمایندگان کنگره می باشد.
تبصره ۲- شورای مرکزی پیشنهاد های ارگانهای سازمان و توافق کمیته های کشوری مربوطه را برای دعوت از افراد مبنای کار قرار می دهد.

۲۰- اعضای شورای مرکزی با حق رای در کنگره شرکت می کنند. این افراد در انتخاب نمایندگان شرکت ندارند.

۲۱- شورای مرکزی شش ماه قبل از تشکیل کنگره نسبت بین تعداد نمایندگان و اعضای تشکیلات را تعیین می کند.
دستگاه رهبری در فاصله دو کنگره:

۲۲- شورای مرکزی که عالیترین ارگان رهبری سازمان در فاصله دو کنگره می باشد تعداد اعضای خود را بعنوان هیئت اجرایی انتخاب کرده و بقیه را در گروههای کار سازماندهی می کند.

۲۳- اجلاس شورای مرکزی فعالیت هیئت اجرایی را در همه عرصه های سیاسی، تشکیلاتی و مالی در فاصله دو اجلاس خود بررسی و کنترل نموده و راستاهای فعالیت آنرا تا اجلاس بعدی شورا تعیین می کند.

۲۴- شورای مرکزی حق ترمیم و تکمیل خود را حدا کثر تا یک سوم تعداد منتخب کنگره دارا است.

۲۵- شورای مرکزی بر پایه مصوبات کنگره مواضع سازمان را در قبال رویداد های کشور تعیین و سازمان را در رابطه با دیگر نیروهای سیاسی اعم از ایرانی و خارجی نمایندگی می کند.

۲۶- شورای مرکزی فعالیت گروههای کار و دیگر ارگانهای سازمان را هدایت و هما هنگ می کند.
امور مالی:

شورای مرکزی مسئول تنظیم امور مالی سازمان و ارائه گزارش کامل فعالیت مالی به کمیسیون نظارت مالی است.

۲۸- کمیسیون نظارت مالی موظف است نظروارزیابی خود را درباره چگونگی فعالیت مالی دستگاه رهبری به کنگره بعدی ارائه دهد.

۸- فعالیت در راستای تحقق وظایف سازمان یک ارزش است. فعالیت اعضا در سطوح مختلف سازمان ارج گذاشته می شود.

۹- نقض اساسنامه در اجلاس سازمانی مورد رسیدگی و قضات قرار می گیرد.

۱۰- شورای مرکزی به درخواست احتمالی دایر بر لغو عضویت عضو توسط ارگان سازمانی مربوطه رسیدگی و تصمیم ضرورتا اتخاذ می نماید.
ساختار تشکیلات:

۱۱- ساختار تشکیلات عبارت است از واحدهای محلی (شهری)، واحدهای کشوری و دستگاه رهبری.

۱۲- حداقل تعداد اعضا یک واحد (شهری یا کشوری) سه نفر است.

۱۳- مسئول یا ارگان مسئول واحد محلی در اجلاس عمومی، واحد و مسئول یا ارگان مسئول واحد کشوری در کنفرانس کشوری انتخاب می شود.

۱۴- واحد کشوری در چارچوب مصوبات کنگره و شورای مرکزی برنامه فعالیت خود را تنظیم کرده و پیش می برد.

کنگره:

۱۵- کنگره عالیترین ارگان سازمانی است.

۱۶- کنگره خط مشی، برنامه، اساسنامه و جهات عمومی سیاست های سازمان را تعیین و تصویب می کند و فعالیت های سازمان و ارگانهای رهبری آنرا در فاصله دو کنگره مورد بررسی و ارزیابی قرار می دهد و اعضای شورای مرکزی و کمیسیون نظارت مالی را بر میگزیند.

۱۷- کنگره عادی بفاصله دو سال از کنگره قبلی تشکیل می شود.

۱۸- کنگره فوق العاده به درخواست یک سوم اعضای سازمان، یا شورای مرکزی تشکیل می شود.

مقدمه:
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) سازمانی سیاسی است که برای تامین دموکراسی، توسعه و عدالت اجتماعی در ایران مبارزه می کند. آرمان سازمان سوسیالیسم است. با توجه ارزشهای مشترک و یگانگی در راستاهای اساسی برنامه و موازی مناسبات تشکیلاتی (اساسنامه) مبنای فعالیت مشترک در سازمان است. مناسبات تشکیلاتی سازمان بر بیشترین دموکراسی، عنایت و تعهد آگاهانه استوار است.

شرایط عضویت:
۱- ایرانی بودن
۲- حداقل سن ۱۸ سال
۳- تعهد به رعایت اساسنامه و فعالیت در راه آماجهای مشترک سازمان
۴- تقاضای عضویت به همراه معرفی نامه دو عضو سازمان.

تبصره ۱- واحد پایه در مورد تقاضای عضویت تصمیم می گیرد و تصمیم خود را به اطلاع ارگان بالاتر می رساند.

تبصره ۲- کسانی که تا کنون رسماً از سازمان استعفا نداده اند و با عضویت آنها از طرف ارگانهای سازمان لغو نشده است، با اعلام آمادگی برای فعالیت مجدد، کماکان عضو سازمان محسوب شده و مشمول الزامات متقابل این اساسنامه می شوند.

حقوق و وظایف اعضا:
۵- اعضا حق دارند:
- نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود را به ارگانهای سازمانی ارائه داده و توضیح بخواهند
- از فعالیتها و تصمیمات ارگانهای بالاتر و همچنین از آمایشنها و نظرات موجود در تشکیلات مطلع شوند،
- در واحدهای سازمانی و کنفرانسها خود را برای مسئولیتهای مختلف نامزد نموده و نمایندگان خود را انتخاب کنند
- برای تهیه اسناد و ارائه آن به ارگانهای سازمانی در هر سطح از تشکیلات همفکری کنند.
۶- اعضا وظیفه دارند:

پیام سومین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مردم ایران

قطعنامه سومین کنگره سازمان درباره زنان کشور

مبارزه در راه آزادی است. سومین کنگره سازمان از مبارزات زنان ایران پشتیبانی کرده و به مبارزه خود برای دستیابی به حقوق حقه زنان ادامه می‌دهد. کنگره از همه اعضا و هواداران سازمان می‌خواهد تا به وظایف خطیر خویش در این عرصه با همه امکانات عمل کنند.

کنگره سازمان ماهه مجامع مترقی جهان، به ویژه جنبشهای ترقی خواهانه زنان را برای احقاق حقوق زنان ایرانی به یاری می‌طلبد.

کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با ابراز انزجار از تداوم اقدامات سرکوبگرانه و ارتجاعی رژیم علیه زنان کشورمان، همه مردم آگاه و ترقیخواه و همه سازمانهای سیاسی و شخصیتهای ترقیخواه و مبارزیه گسترش مبارزه برای دفاع از حقوق حقه زنان کشورمان فرامیخواند.

ما بر آنیم که اعمال سرکوبگرانه و اسارتبار رژیم علیه زنان پارتیزانترین مظهر تبهکاریهای استبداد حاکم است و مبارزه در راه آزادی زن، یکی از بنیادینترین جلوههای

بیکاری، بی‌مسکنی، بی‌درمانی و دیگر دشواریهای معیشتی فرامی‌خواند.

هم میهنان!

حکومت اسلامی، دشمن دموکراسی و آزادیهای سیاسی است. این رژیم، تمایلات ارتجاعی خود را بر همه مردم کشور بویژه بر زنان، بر اقلیت‌های ملی کشور و بر اقلیت‌های مذهبی تحمیل می‌کند. رژیم، با علم کردن مخالفت با تهاجم فرهنگی و کشیدن دگر باریه حزب الله به صحنه، مبارزه با هر گونه افکار خارج از تمایلات حکومتگران را تشدید کرده است. سرکوب و ترور مخالفان سیاسی همچنان ادامه دارد. مردم از بدیهی‌ترین حقوق خود برای دفاع متشکل از خواسته‌های خود محرومند. در کشور استبداد زده ما، نیازه آزادی هرگز به اندازه امروز احساس نمی‌شده و هیچگاه از نیروی حمایتی به میزان کنونی برخوردار نبوده است. کنگره سوم سازمان، بر این موضع سازمان پای می‌نهد که مبارزه در راه آزادی، حلقه مقدم در مبارزات مردم میهنان علیه وضع موجود است.

هم میهنان!
سومین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به شما هموطنان درود می‌فرستد و برای شما درباره به خاطر آزادی و پیشرفت و عدالت اجتماعی آرزوی پیروزی دارد.

برگزاری کنگره سوم سازمان ما، با یکی از حساسترین شرایط تاریخی میهنمان مصادف است. بر منطقه حساس ما، فضای تحریک، تشنج، درگیری‌های قومی و ملی، و جنگ بر سر مرزها حاکم است. مداخلات قدرتهای دوران منطقه در مسایل منطقه، بر بی‌ثباتی وضع موجود می‌افزاید. این وضع به سود هیچیک از کشورهای منطقه نیست و تا آنجا که به کشور ما بر می‌گردد، تهدیدی علیه موجودیت و تمامیت کشور و بر ضد مصالح عمومی ما است. در چنین شرایطی، رژیم حاکم، به جای درپیش گرفتن سیاستی که به رفع تشنج و ایجاد تفاهم و امنیت اجتماعی در منطقه و ایجاد حد اکثر وحدت ملی در کشور یاری برساند، با صدور بنیادگرایی و اقدامات ماجراجویانه نظامی، و خاست اوضاع را دوچندان می‌کند و مردم را دچار ترس و راد بر ابرو وضعی خطرناک قرار می‌دهد. کنگره سوم سازمان با بررسی اوضاع خطیر منطقه و اوضاع حساس بیرون ایران، همه هموطنان ایران دوست را فرامی‌خواند تا مانع از ماجراجویی رژیم شوند و اجازه ندهند که سرنوشت کشور ما در اوضاع بحرانی منطقه، بازیچه سران رژیم قرار گیرد.

کنگره سوم سازمان، از سوی همه فدائیان خلق ایران (اکثریت) باردیگر ضرورت مبارزه متحد در راه آزادیها و دموکراسی را اعلام می‌دارد و همه نیروهای آزاد بخواره را به اتحاد علیه استبداد حاکم دعوت می‌کند.

کنگره سوم سازمان با امید به اینکه مبارزه حساس و دشوار مردم ایران در برپایی ایرانی آزاد و دموکراتیک به ثمر خواهد نشست، شرط اصلی پیروزی را، ایجا هماهنگی در مبارزه علیه رژیم مستبد حاکم، همراهی و اتحاد با یکدیگر بر سر مواضع آزاد بخواره مشترک می‌داند. کنگره ما، در لحظه لحظه جریان کار خود، در همه سخنرانیها، و در تمام اسناد و قطعنامه‌های خود بر امر اتحاد تاکید کرده است. ما امید داریم که اتحاد مردم برای دستیابی به آزادی و دموکراسی در ایران، علیرغم همه مشکلات موجود، تحقق یابد. ما امید داریم مبارزه مشترک همه مادران بر فراری میهنی آزاد و آباد و شگوفان زود تر به نتیجه رسد.

هم میهنان! گسست اجتماعی در کشور بر زمینه تشدید فقر و فاقه، در حال تعمیق است. کاهش بی‌وقفه قدرت خرید و گرانی روز افزون، بیکاری، بی‌مسکنی و دیگر مشکلات اقتصادی همراه با فقدان امنیت اجتماعی و تحمیل انواع فشارها از سوی واپسگرایان، دهها میلیون ایرانی را تحت فشارهای خرد کننده قرار داده است. ادامه این وضع نگران کننده، آینده تیره تری را در چشم انداز قرار می‌دهد. در چنین شرایطی مبارزه علیه مسببین فلاکت اجتماعی و سیاستهای فقر گستر رژیم بیش از هر زمان دیگر در دستور قرار دارد. تجربه نشان می‌دهد که رژیم در برابر اعتراض‌های مردمی مجبور به عقب نشینی است. سازمان ما از مبارزات مطالباتی شما هم میهنان پشتیبانی کرده و شما را به تداوم اعتراض علیه گرانی،

کنگره سوم سازمان، از سوی همه فدائیان خلق ایران (اکثریت) باردیگر ضرورت مبارزه متحد در راه آزادیها و دموکراسی را اعلام می‌دارد و همه نیروهای آزاد بخواره را به اتحاد علیه استبداد حاکم دعوت می‌کند.

کنگره سوم سازمان با امید به اینکه مبارزه حساس و دشوار مردم ایران در برپایی ایرانی آزاد و دموکراتیک به ثمر خواهد نشست، شرط اصلی پیروزی را، ایجا هماهنگی در مبارزه علیه رژیم مستبد حاکم، همراهی و اتحاد با یکدیگر بر سر مواضع آزاد بخواره مشترک می‌داند. کنگره ما، در لحظه لحظه جریان کار خود، در همه سخنرانیها، و در تمام اسناد و قطعنامه‌های خود بر امر اتحاد تاکید کرده است. ما امید داریم که اتحاد مردم برای دستیابی به آزادی و دموکراسی در ایران، علیرغم همه مشکلات موجود، تحقق یابد. ما امید داریم مبارزه مشترک همه مادران بر فراری میهنی آزاد و آباد و شگوفان زود تر به نتیجه رسد.

پیام کنگره سوم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به اعضا و هواداران

این زمینه به موفقیت بزرگی دست یابد و شورای مرکزی را گسترش داده متناسب با وظایفی که در دوره آتی در مقابل سازمان قرار دارد، برگزیند. در کنگره خط منشی‌ها و نظرات متفاوتی در برابر هم قرار گرفتند. اما زمانی که انتخابات شورای مرکزی فرارسید، هیچ نماینده‌ای به دلیل نظرات خود از پذیرش مسئولیت سر باز نزد. ترکیب جدید شورای مرکزی سازمان به عیان نشان داد که همه فدائیان خلق، صرف نظر از نظرات متفاوت خود، در یک نکته همنظرند: سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) که محصول تلاش، فکر، فداکاری و از جان گذشتگی هزاران انسان شریف میهن ماست باید با همه توان و با استفاده از همه ظرفیتهای خود برقرار بماند و در راه اجرای وظایف خویش مبارزه کند. مناسبات دموکراتیک و رفیقانه موجود در سازمان، پشتوانه اجرای این هدف است.

کنگره تحقق این هدف را در خدمت تقویت جنبش چپ ایران می‌داند و تاکید میکند که سرنوشت سازمان ما از سرنوشت جنبش چپ در ایران جدا نیست. تقویت چپ در ایران نزدیکی هر چه بیشتر بخشهای جداگانه این جنبش را طلب می‌کند. کنگره سازمان با وقوف به اهمیت این امر همه اعضای سازمان را دعوت می‌کند که کماکان مشوق همکاری و وحدت با سایر همزمان خود باشند و در هر جا که می‌توانند در تحقق عملی این هدف پیشقدم شوند.

رفقا!
سومین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به شما هم زمان فدایی درود می‌فرستد و خاطره همه یارانی را که در راه آرمانهای سازمان جان باختند، گرمی می‌دهد. کنگره سوم سازمان از تلاشهای مسئولانه و فداکارانه همه رفقای که در این شرایط سخت فعالیت سازمان را تداوم بخشیدند، صمیمانه قدر دانی می‌کند. برای همه مادران ما که سرنوشت سازمان نیز در از میهن و محروم از فداییانی که در ایران اهداف سازمان در راه دموکراسی و عدالت اجتماعی را پی می‌گیرند، برگزار شد. ادامه استبداد مانع از آن شده است که ما بتوانیم در میهن خود به هم فکری و چاره جویی نسبت به سرنوشت مردم و کشور خویش، که یکی از دشوارترین دورانهای حیات خود را میگذرانند، بنشینیم. استبداد مانع از زندگی و فعالیت آزادانه مادر ایران شده است اما نتوانسته است قلبهای ما را از تپیدن و مغزهای ما را از اندیشیدن برای ایران بازدارد. کنگره سوم سازمان در لحظه به لحظه خود به یاد ایران و در فکر چاره اندیشی برای رهایی کشور از جنگال استبداد حکومت اسلامی بود.

رفقا!
با کنگره سوم ما یک گام به پیش گذاشتیم. اکنون با اطمینان بیشتری میتوانیم به وظایف بسیاری که در پیش رو داریم بپردازیم. کنگره به خوبی واقف است که موفقیت‌های بدست آمده هم در زمینه تعیین سیاستها و هم در زمینه بسیج نیروها و امکانات، انتظارات بیشتری را نیز بر می‌انگیزد. این انتظارات زمانی می‌تواند به اجرا درآید که فضای مسئولیت و تعهد موجود در کنگره سوم، از سوی همه فعالین سازمان مورد پشتیبانی قرار گیرد.

سومین کنگره سازمان، همه فدائیان خلق را متناسب با امکانات خویش، به مشارکت بیشتر و فعالانه تر در پیشبرد سیاستهای سازمان فرامی‌خواند و با این امید به کار خود پایان می‌دهد که شروعی باشد برای بسیج همه امکانات سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در یکبار د شوار علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و برپا نگاه داشتن پرچم دموکراسی و سوسیالیسم در ایران.

سومین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مرداد ماه ۱۳۷۲

سومین کنگره سازمان توانست در مورد مسایل مختلفی تصمیم بگیرد. این تصمیمات راهنمای فدائیان خلق در یکبار علیه حکومت اسلامی و برای دستیابی به دموکراسی، عدالت و پیشرفت در کشور خواهد بود. اما کنگره در عین حال واقف بود که سازمان ما بدلا پل گوناگون در شرایط دشواری قرار گرفته است. شرایطی که میتوانست و میتواند هر حزب سیاسی را از فعالیت، تحرک و پویایی بازدارد. از همین رو بخش مهمی از وقت و انرژی کنگره صرف چاره جویی برای غلبه بر دشواریها و ادامه بهتر کار سازمان شد. پذیرش فعالانه تر مسئولیت برای پیشبرد اهداف و وظایف سازمان و حل دشواریهای توانفرسای مالی عمده ترین مسایلی بود که در این بخش در برابر کنگره قرار داشت. شور، تعهد و تعلق که اعضای کنگره، به نمایندگی از شما هم زمان، برای غلبه بر این دشواریها نشان دادند، نمونه‌ای از اراده همیشگی فدائیان خلق در مقابل به دشواریها بود. نمایندگان کنگره از جانب انتخاب کنندگان خود تعهد کردند که ارگانهای هدایت کننده سازمان را فعالانه تر از پیش یاری دهند و پشتیبانی کنند. تعهد نمایندگان کنگره به پذیرش فعالانه مسئولیت و پیش برد وظایف سازمان، در انتخابات شورای مرکزی نمایان شد. کنگره توانست در

قطعنامه در مورد مسائل مالی

مرکزی منتخب کنگره، برای تامین مالی سازمان، و سامان وضع مالی به عمل آورد.

۳- شورای مرکزی منتخب کنگره سوم، مبتنی بر اقدامات و توافقات کنگره، در آغاز کار خود تعهد مالی هر کشور به صندوق مرکزی را بر پایه گزارش کشورها از ترکیب و موقعیت تشکیلات و نیروهای سازمان در آن کشور تعیین کرده و به آن ابلاغ خواهد کرد.

۴- کلیه واحدهای سازمانی موظفند تا ۲ ماه پس از ابلاغ شورای مرکزی ۲۵ درصد سهمیه تعیین شده را به صندوق مرکزی واریز کنند.

توضیح: بند ۵ قطعنامه شامل ارزیابی از میزان هزینه‌های مربوط به دوره دو ساله آتی فعالیت سازمان است.

مشی مالی سازمان اساسا متکی است بر مشارکت همه اعضا و هواداران سازمان در تامین نیازهای مالی آن برای:

الف - پیشبرد امور جاری،
ب - سرمایه گذاریهای سودآور به منظور کاهش فشار مالی بر اعضا و بهبود وضع مالی سازمان،
ج - توسعه فعالیتهای سازمان.

در این راستا: ۱- کنگره کلیه واحدهای سازمانی و تک تک اعضا خود را متعهد می‌داند ابزار لازم برای تامین نیازهای مالی سازمان را فراهم آورد.

۲- تک تک اعضا کنگره متعهد می‌شوند در حوزه نمایندگی و فعالیت خود همکاریهای لازم را با شورای

دیدگاهها و اماجهای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

قرنها و مبارزات جنبش کارگری و دموکراتیک در دو قرن اخیر می‌دانیم، ما از آزادی افراد در باره مکتب فلسفی وادیان و مذاهب مختلف جانبداری می‌کنیم و از آزادی فعالیت دگراندیشان و مخالفین سیاسی دفاع نموده و برای تامین حقوق دموکراتیک آنها تلاش می‌کنیم. سازمان ما حاکمیت و قدرت رانانهای آزاده مردم می‌داند و به حاکمیت مردم بر پایه رای و انتخاب آزادانه در تعیین دولت، و به تناوب و انتقال قانونی و مسالمت آمیز قدرت و به نظام چند حزبی معتقد است.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از دل جنبش فدائیان خلق که در دهه ۴۰ دیکتاتور علیه دیکتاتور شاه با آرمان آزادی و سوسیالیسم شکل گرفت، برخاسته است. جنبشی که هدف با پذیرش خدمت به کارگران و زحمتکشان و تامین صلح، آزادی و عدالت اجتماعی در جامعه و کسب استقلال و پیشرفت اقتصادی ایران بوده است.

هدف اساسی سازمان تامین گسترده عدالت اجتماعی، رهایی انسان از هر گونه ستم اجتماعی و طبقاتی، بهره کشی فرد از فرد، تامین رفاه انسانها و رشد آزادانه همه جانبه آنها است.

ماد دموکراسی و عدالت اجتماعی را در پیوند نزدیک با هم می‌دانیم، تامین عدالت اجتماعی پشتوانه دموکراسی و مناسبات صلح آمیز در جامعه است و تحقق گسترده عدالت اجتماعی در شرایط وجود و گسترش دموکراسی و حقوق دموکراتیک مردم امکان پذیر است.

سازمان ما در طی دو دهه بیکار خود فراز و فرودهایی بسیار را پشت سر گذاشته، تجارب بسیار اندوخته و برای تصحیح و تکامل دیدگاهها، برنامه و سیاست خود کوشیده است. سازمان ما اکنون با درس آموزی از تجارب "انقلاب بهمن" و مرزبندی با دیدگاههایی که منجر به حمایت سازمان از رژیم ضد دموکراتیک و ارتجاعی جمهوری اسلامی گردید و نیز با بهره گیری از تجارب ناشی از فروپاشی اردوگاه سوسیالیسم و تحولات چپ در عرصه بین المللی می‌کوشد برنامه، سیاست و عمل خود را منطبق با واقعیات جامعه ما و جهان امروز تنظیم نماید.

ما به اولویت منافع رشد اقتصادی بر منافع گروه بندیهای اجتماعی و به درم آمیزی عدالت اجتماعی با رشد اقتصادی معتقد هستیم. عدالت اجتماعی بریستر رشد اقتصادی، رفاه مردم، غلبه بر عقب ماندگی و اعتلاء فرهنگی می‌تواند تامین شود. ما تامین عدالت اجتماعی را روندی طولانی می‌دانیم و مبارزه در راه تعدیل نابرابریهای اجتماعی و تحقق عدالت اجتماعی را وظیفه دائمی خود می‌شماریم.

در دهه اخیر هزاران تن از بهترین فرزندان مردم کشور ما علیه دیکتاتوری و برای آزادیهای سیاسی، استقلال، عدالت اجتماعی و تامین رفاه زحمتکشان در صفوف سازمان بیکار کرده، رنجها کشیده و جانها باخته اند. ما سازمان و بیکاران را بخشی از جنبش چپ ایران و بیکار تاریخی آن در طول بیش از ۸۰ سال مبارزه در راه آزادی و عدالت اجتماعی می‌دانیم.

سازمان ما به تامین منافع ملی و استقلال کشور و پیروزی ایران آزاد و مستقل و به شرکت گسترده ایران در روابط بین المللی و برقراری مناسبات با دیگر کشورها در جهان به هم پیوسته کنونی اعتقاد دارد. مبنای برقراری مناسبات با سایر کشورها، تامین منافع ملی کشور، اتخاذ تصمیمات مستقلانه و تضمین برابر حقوق با دیگر کشورها است.

سازمان ما یک سازمان ایدئولوژیک یعنی سازمانی که از نظام فکری فلسفی خاصی پیروی می‌کند نیست و در تدوین و تنظیم برنامه، خط مشی سیاسی و امور تشکیلاتی خود از مجموعه اندیشه و دانش پیشرو و معاصر بهره می‌گیرد.

سازمان مدافع حقوق بشر و دموکراسی، عدالت اجتماعی، رشد اقتصادی و رفاه مردم ایران است و در راستای باور به ارزشهای انسانی و عموم بشری و خواهان تامین منافع ملی و استقلال کشور، صلح و ارزشهای سوسیالیستی می‌باشد.

سازمان بر آن است که برای نوسازی فرهنگی و اجتماعی کشور باید جهل، سنن و ارزشهای خرافاتی و غیر انسانی و خوار داشت دانش و اندیشه، مبارزه ای پیگیر داشت. ما مرد سالاری، نابرابری حقوق زن و مرد و ستم ملی، نژادی، مذهبی، عقیدتی را از نمودهای بارز عدم تعادل و ناهنجاری جامعه می‌شناسیم و مبارزه در راه رفع آنها را از اهداف و اولای خود می‌دانیم.

به باور سازمان بنیاد آزادی، آزادی فردی است و فرد باید از حق تعیین سرنوشت برخوردار باشد. ما در راه جامعه ای بیکار میکنیم که در آن تکامل آزاد هر فرد شرط تکامل همگان است. ما حقوق بشر و آزادیهای سیاسی و اجتماعی را جزو ارزشهای عموم بشری به شمار آورده و آنها را محصول بیکار نیروهای آزاد بخواره جهان در طی

سازمان ما به تامین منافع ملی و استقلال کشور و پیروزی ایران آزاد و مستقل و به شرکت گسترده ایران در روابط بین المللی و برقراری مناسبات با دیگر کشورها در جهان به هم پیوسته کنونی اعتقاد دارد. مبنای برقراری مناسبات با سایر کشورها، تامین منافع ملی کشور، اتخاذ تصمیمات مستقلانه و تضمین برابر حقوق با دیگر کشورها است.

سازمان خواهان صلح با ایدئولوژی، زدايش جنگ از حیات بشریت و صلح سلاح همگانی است. سازمان خواستار تضمین حق ملل در تعیین سرنوشت خویش، استقرار نظم اقتصادی عادلانه و برابر حقوقی در مناسبات بین المللی و امحاء مناسبات نابرابر و غارتگرانه بین شمال و جنوب، پاسداری خردمندانه از محیط زیست در کره زمین، بهره‌وری دموکراتیک از دستاوردهای علمی و فنی توسط تمام کشورها، الغا نژادپرستی، زدايش فقر و بیسوادی، رعایت بدون قید و شرط حقوق بشر در همه کشورها، زدايش قهر در مناسبات بین انسانها است.

ما مدافع اشکال متنوع همبستگی جهانی، در دفاع از صلح، حفظ محیط زیست، مبارزه علیه نظام غیر عادلانه اقتصادی و سیاسی جهان کنونی و در تلاش برای تحقق دموکراسی و عدالت اجتماعی هستیم. سازمان ما در راه سوسیالیسم به مقابله با یک آرمان اجتماعی و نظام ارزشی بیکار میکنم.

چهلمین سال کودتای ۲۸ مرداد

۲۸ مرداد امسال چهلمین سالگرد کودتا علیه دولت ملی دکتر مصدق در سال ۱۳۳۲ است. این کودتا تا تأثیرات تباه کننده‌ای بر کشور ما بر جای نهاد و به استقرار دیکتاتوری شاه و وابستگی همه جانبه ایران به آمریکا انجامید. کودتا به جریان دموکراتیک سالهای ۲۰ تا ۳۲ پایان بخشید. احزاب سیاسی سرکوب شدند و صدها تن از شریف ترین ایرانیان و از جمله دهها تن از افسران ارتش به جوخه‌های اعدام سپرده شدند. رژیم شاه حکومت وحشت و ترور خود را تا آن زمان که توانست ادامه داد و با نقض حقوق بشر و آزادیهای دموکراتیک، برقراری حکومت تک حزبی فرمایشی و سپردن ایران به دست دربار فاسد و چپاولگر خود، دوران سیاهی را بر کشور تحمیل کرد.

چنین موضوعی بی‌باوری و سوءظن به حق همه نیروهای دموکراتیک کشور نسبت به ادعاهای امروزی گروههای سلطنت طلب در مورد آزادی و دموکراسی را تشدید میکند، زیرا نمیتوان به دموکراسی، حکومت قانون و رای مردم متعهد بود و همزمان از یک کودتای خارجی علیه یک دولت قانونی و مردم یک کشور دفاع کرد.

برخی از سلطنت طلبان اصرار دارند به نیروهای سیاسی دیگر بقبولانند که "گذشته‌ها گذشته" است و نباید به بحث پیرامون آنها مشغول شد، اما واقعیت آن است که وجود "گذشته‌ها" در مناسبات همه نیروهای سیاسی با سلطنت طلبان سنگینی می‌کند و اصرار بر آن نیز فقط نیش قبر حوادث تاریخی نیست، چراغی است که در پرتو آن میتوان قضاوت بهتری نسبت به ادعاهای امروزی داشت.

مشرطه طلبانی که از احکامیت ملی، دموکراسی و پهلویسم سیاسی در کشور و حق مرجعیت مردم در انتخاب نظام سیاسی سخن می‌گویند، در چهلمین سالروز کودتای آمریکا بی‌دربار پهلوی علیه حکومت ملی دکتر مصدق و برضد قانونیت و آزادی‌ها، نسبت به این کودتای تنگنای چه می‌گویند؟

میان همه نیروهای سیاسی و محافل در حیوخته تعیین کابینه جدید از سوی رفسنجانی برخی از وزرا غافل از این نبودند که برای حفظ پست و موقعیت خود نظر مساعد نمایندگان مجلس را جلب نمایند. اما این "جلب نظر مساعد" چیزی جز دیدن دم نمایندگان نبود و آنها هم آنقدر آشکار که خواجه هم خبردار شد.

روزنامه ها نوشتند در نشست استیضاحی "جامعه اسلامی مهندسین" که برای اعلام نظر این جامعه درباره ترکیب آینده دولت تشکیل شده بود، این سؤال مطرح شد که: "دردوسه هفته اخیر یک سری از نمایندگان حق و حسابهای کلانی از بعضی از وزرا گرفته‌اند، این اعمال چگونه تفسیر می‌شود؟" پاسخ آقای مرتضی نبوی نماینده مجلس و سردبیر روزنامه رسالت چنین بود: "ما هم شنیدیم که بعضی از وزراتخانه ها امکاناتی را کنار گذاشته‌اند، نمایندگان را به سمنارهایی و جلساتی دعوت می‌کنند، به عنوان کمک به حوزه

نقش آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد، از همان آغاز آشکار شد. سالها پس از این واقعه هم اسناد رسمی وزارت خارجه آمریکا و هم خاطرات عاملان آمریکایی و ایرانی این کودتا، جزئیات این نقش مداخله گرانه را روشن ساخت. در میان همه نیروهای سیاسی و محافل

"حق و حساب می‌گیریم اما در رأیمان تاثیر ندارد!"

انتخابیه شان به آنها چیزهایی می‌دهند. اما ظاهراً آنهايي که گرفته‌اند گفته‌اند ما می‌گیریم ولی اثری در رأیمان ندارد و به وزرای مربوطه بگوئید به نحوی تلاش نکنند و بار خودشان را در آخرت سنگین تر نکنند! اینها را بعضی از نمایندگان می‌گیرند و در حوزه انتخابیه شان خرج می‌کنند ولی احتمالاً در راهی شان تأثیری ندارد.

یادآوری می‌شود که "جامعه اسلامی مهندسین" یک گروه بظاهر صنفی اما در واقع بخشی از تشکیلات جناح موسوم به رسالت - جناح غالب در حکومت اسلامی است و به سهم خود یکی از مراکز نفوذ و قدرت در حکومت اسلامی می‌باشد. این جامعه در تلاش برای تأمین خواسته‌های جناح رسالت در ترکیب جدید کابینه مشارکت فعال داشت و اساسی ۱۲ وزیر را که می‌بایست در کابینه تازه کنار گذاشته می‌شد علناً اعلام کرده بود.

با کمکهای مالی خود مارا یاری رسانید

آن بهار حتی گل های گیلای هم بر شاخه خشکیدند

ای وای عزیزانم، گل های بهارانم رفتند از این خانه، رفتند غریبانه

همسرت؟ زنت؟ خواهرت؟ آن دیگری؟ شاید دوستی که عاشقانه دوستش می‌داشتی. و آن یک هم برادر و هم همسر. چگونه می‌توان ساکت ماند؟ چگونه می‌توان سخن نگفت؟ و بعد از آن دوباره دسته جمعی می‌پردند: آیا حاضرید آنز چار بدهید؟ ...

وبالآخره سال ۶۷ به پایان رسید. بهار آمد. بهار آن سال نیز چون بهاران پیشین منتظر بودیم تا درخت گیلای با غنچه بنده بشکوفه نشیند. اما آن بهار انگار درخت نیز عمق فاجعه را فهمیده بود. غنچه‌ها سرزدند اما هیچ گاه به شکوفه ننشستند. شاید که، آنها نیز چون ما در دل خون می‌گریستند.

به یاد فاجعه قتل عام زندانیان سیاسی

ماست، آنچه در توان داریم عرضه کنیم تا گامی در جبران فقدان این عزیزان برداریم. ما یاد تمامی قربانیان فاجعه قتل عام زندانیان سیاسی و از جمله رفقای جانباخته سازمان خود را که در سال خونین ۶۷ با ناجوانمردانه ترین طرق به قتل رسیدند گرامی می‌داریم. نیز این مناسبات را فرصتی مناسب می‌دانیم برای تاکید بر اهمیت یکپارچگی ایرانیان در افشای جنایاتی که در سایه دیکتاتوری رژیم جمهوری اسلامی بر میهنمان و فرزندان آن روا شده است.

یاد جانباختگان قتل عام دسته جمعی سال ۶۷ در قلب تمامی ما جاودانه است.

محتشمی ممنوع الخروج است

به نوشته روزنامه های ایران حجت الاسلام محتشمی وزیر سابق کشور و یکی از سرکوبگران بنام، ممنوع الخروج شده است. وی اخیراً با انتشار مقاله ای در روزنامه سلام پیرامون جنگ در جنوب لبنان، مسلمانان لبنان را به قیام علیه اسرائیل فراخواند. کسانی پرسیدند وی که دعوت به قیام می‌کند چرا خود برای این قیام پیشنهاد نمی‌شود و به لبنان نمی‌رود؟ روزنامه سلام پاسخ داد: وی ممنوع الخروج شده است. این روزنامه به دلیل ممنوع الخروج شدن محتشمی اشاره ای نکرد، اما روشن است که وی مورد سوظن شدید ائتلاف حاکم قرار دارد.

شکایت امام جمعه اهواز از روزنامه سلام

"دادگاه ویژه روحانیت" را به چماق سرکوب مخالفان داخلی خود تبدیل کرده و به ویژه آنرا علیه نشریات غیر وابسته به خود به کار انداخته است. از سوی دیگر گفته می‌شود خبر اعدام سلمان احمدی که از سوی مقامات رژیم اعلام شد صحت ندارد و وی را مخفیانه به خارج فرستاده‌اند. در بین مردم چنان شایع است که کسانی با نیش محلی که به ادعای رژیم سلمان احمدی در آنجا دفن شده، متوجه شده‌اند که شخص دفن شده، سلمان احمدی نیست.

شلاق. روز و شب های لعنتی همراه با شلاق شکنجه گران. زیر تازیانه یک احساس داشتیم: کسی زنده نخواهد ماند. مردان همه کشته خواهند شد. دو ماهی گذشت و ما معجزه آسا زنده ماندیم. به بند باز گشتیم. اتاق های خالی انتظارمان را می‌کشید و چقدر سرد! از ۲۴ نفر اتاق ما تنها سه نفر زنده مانده بودند یکی شان تعادل روانی خود را از دست داده بود. دیگری با تنی تازیانه خورده گریبان و حیران بود و آن دیگری متحیر آنکه کی نوبت او خواهد شد.

ملاقات ها آزاد شد و با آن خبرهای اعدام هم رسید. رقم از صدها و هزار گذشت. برادرت؟

نفر؟ نمی‌دانم! صدای رگبار و سپس صدای تک تیرها. آن شب تا صبح پارس سگان بود که اعصاب را می‌درید و ما در چهار دیواری های که از هر زمان تحمل ناپذیر تر بود فقط می‌توانستیم قدم بزیمیم. دیری نپاییده بود که زنان مجاهد را به دار آویخته بودند و اینک نوبت ما. گروه گروه می‌پردند. دادگاه های معروف سه نفره شاید پنج دقیقه طول می‌کشید: نام ... و سپس: مسلمانی؟ پدر و مادر مسلمانی؟ جرم؟ عضویت در سازمان فدائیان خلق ایران اشکریست. هنوز هم معتقدی؟ بله... نماز می‌خوانی؟ نه... حکم دادگاه داده می‌شد. روزی پنج نوبت نماز پنج نوبت

ادامه از صفحه ۱

نام های زندانیان سیاسی جانباخته افزوده شد. هر نام نیش خنجر می‌بود که بر قلبهای زخم خورده فرو می‌رفت. وجه بسیار بودند ای نامها... بعدها معلوم شد که اولین قربانیان را روز ۷ مرداد به جوخه های مرگ سپرده‌اند. اعدامها چند ماه ادامه یافت. پنج سال از آن روزها می‌گذرد. هنوز نام و تعداد دقیق قربانیان و بسیاری از حقایق آن روزهای خونبار در دست نیست. اعلام اسامی قربانیان این فاجعه ملی، دلایل این قتل عام، آرامگاه جانباختگان و دیگر مسائل مربوط به این جنایت بیسابقه یک خواست ملی، تقاضای همیشگی خانواده های داغ دیده و افکار

پیرامون وقایع مبارکه

نفوذ آن صورت می‌گیرد، ولو تجمعی بر پایه خرافات مذهبی، به شدت هراسان می‌شود و دست به سرکوب شدید می‌زند. اندیشه حاکم بر رژیم همان تفکری است که یک روز خمینی را در راه حلول داد و زمانی بر گردن هزاران نوجوان کلید بهشت زهرا آویزان کرد تا روی مین هادر میدانهای جنگی پرپر شوند. در جریان مبارکه، خشم رژیم نه متوجه ظهور شما بل مذهبی از تئوران که از اجتماع مردمی خارج از حیطه کنترل خود بود. مردمی که، مناسفانه درمان دردهای فراوان زمینی خود را در او هام و خرافات و معجزه های آسمانی جستجو میکنند. واقعه مبارکه، نشان می‌دهد که مبارزه علیه اندیشه های خرافی هم در جامعه وهم در حکومت، از چه اهمیتی برخوردار است.

مخملباف دیگر فیلم نمی‌سازد

به نوشته روزنامه سلام، محسن مخملباف کارگردان جنجالی سینمای ایران بدلیل مشکلاتی که برای او به وجود آورده‌اند، دیگر فیلمی نخواهد ساخت. گفته می‌شود در پی اتخاذ این تصمیم از سوی وی، مسئولین سینمایی از او خواسته‌اند به فعالیت خود ادامه دهد، اما مخملباف از تصمیم خود منصرف نشده و اعلام داشته است تا زمانی که بر خوردهای نامناسب و غیر فرهنگی ادامه دارد، اقدام به ساختن هیچ فیلمی نخواهد کرد.

چه روز و شبی بر ما گذشت. سال ۶۷ را می‌گویم. آن روز و شبهای شرد بار که از مزگان همه بجای اشک خون می‌بارید. فاجعه از اواسط ۶۶ آغاز شد. خود کشی های بچه ها، زن و مرد، خبر از فشار بی حد رژیم می‌داد. بچه ها را از همه گروهها به دلایل مختلف به بازجویی می‌پردند. تهدید های آنها بوی مرگ می‌داد. ناقوس قتل عام در ۴ خرداد ۶۷ با اعدام انوش و سه مبارز دیگر به صدا در آمد. واقعه "مرصاد" بی‌مانه اعدام های دسته جمعی را فراهم آورد. مانظاره گران گریبان هر روز و شب این فاجعه بودیم. ده صبح یاده شب یا وقتی دیگر، عده ای را برای مرگ می‌پردند. می‌دانستیم آخرین دیدار است. سردر سینه هم گریبان بدرود می‌گفتیم و آرزوی استواری برای هم. می‌دانستیم که لحظه ای دیگر، دیگری چون سرو، ایستاده بر زمین خواهد افتاد و وزیر لب هر لحظه ورد زبانمان بود: ای وای عزیزانم، گل های بهارانم، رفتند از این خانه، رفتند غریبانه...

گاه تعداد آنقدر بود که خدا حافظی به درازا می‌کشید. ذره آب می‌شدیم و انتظار نوبت می‌کشیدیم. خبر هر روز این بود: دسته جمعی دار زده شدند، این یکی را دوباره شکنجه کردند، آن یکی را بردند که اعدام دسته جمعی زنان را ببیند. زنان بالای دار دست در دست هم داشتند. مردان سرود خوانان می‌رفتند... شبی دیگر، هنگام خواب، ساعت ۱۱ شب صدای زندانیان نوبت بلند شد: مرگ بر کفر و الحاد! نوبت کمونیست ها بود. چند نفر؟ چند صد

حق و حساب می‌گیریم اما در رأیمان تاثیر ندارد!

انتخابیه شان به آنها چیزهایی می‌دهند. اما ظاهراً آنهايي که گرفته‌اند گفته‌اند ما می‌گیریم ولی اثری در رأیمان ندارد و به وزرای مربوطه بگوئید به نحوی تلاش نکنند و بار خودشان را در آخرت سنگین تر نکنند! اینها را بعضی از نمایندگان می‌گیرند و در حوزه انتخابیه شان خرج می‌کنند ولی احتمالاً در راهی شان تأثیری ندارد.

یادآوری می‌شود که "جامعه اسلامی مهندسین" یک گروه بظاهر صنفی اما در واقع بخشی از تشکیلات جناح موسوم به رسالت - جناح غالب در حکومت اسلامی است و به سهم خود یکی از مراکز نفوذ و قدرت در حکومت اسلامی می‌باشد. این جامعه در تلاش برای تأمین خواسته‌های جناح رسالت در ترکیب جدید کابینه مشارکت فعال داشت و اساسی ۱۲ وزیر را که می‌بایست در کابینه تازه کنار گذاشته می‌شد علناً اعلام کرده بود.

ابهام در مذاکرات بوسنی

بدنیال شکست طرح ونس - اوئن برای اداره فدرال بوسنی - هرزه گویان، تلاشهای دیپلماتیک دیوید اوئن نماینده جامعه اروپا و توروالد استولتنبرگ نماینده سازمان ملل، متوجه تشکیل اتحادیه ای از سه کشور صرب، کروات و مسلمان در قلمرو فعلی بوسنی - هرزه گویان است. دولت بوسنی - هرزه گویان دیگر به طور سرسختانه از طرح تشکیل یک دولت مرکزی قوی جانبداری نمی کند. صرب ها و کروات ها در مورد تجزیه ای این کشور، به توافق رسیده اند و میانجی ها برای وادار کردن مسلمانان به پذیرش تجزیه بوسنی - هرزه گویان، فشار زیادی به علی عزت بیگ اویچ رئیس جمهور بوسنی - هرزه گویان وارد آوردند. عزت بیگ اویچ گفته است موافقت با تشکیل کنفدراسیونی از سه کشور، منوط به تصویب پارلمان بوسنی است. وی افزوده است مسئله تقسیم ارضی، دشوارترین بخش این طرح است.

مذاکرات درباره آینده بوسنی - هرزه گویان در ژنوا ادامه دارد. در عین حال، جنگ در این کشور قطع نشده است و همچنان قربانی می گیرد. ناتو تهدید کرده است در صورت عدم رفع محاصره سارایوو توسط صرب ها، به حملات هوایی علیه مواضع صرب ها دست خواهد زد. در چنین شرایطی، آینده بحران بالکان در پس پرده ابهام است. هر چند ناظران خوش بینی هایی درباره مذاکرات فعلی ابراز کرده اند، اما این نخستین بار نیست که چشم انداز توافق در مورد یک راه حل سیاسی پدیدار می شود.

شکست حزب حاکم در ژاپن

انتخابات ۷ تیر ماه ژاپن، به ۳۸ سال زمامداری حزب لیبرال دمکرات در این کشور پایان داد. از ۵۱۱ کرسی پارلمان، این حزب تنها توانست ۲۲۳ کرسی را به خود اختصاص دهد. شمار نمایندگان حزب سوسیال دمکرات نیز از ۱۳۴ به ۷۰ نفر کاهش یافت. بزرگترین برنده انتخابات ژاپن، گروه منشعب از حزب لیبرال دمکرات بود، اما این گروه نیز نتوانست اکثریت مطلق کرسی ها را بدست آورد. در نتیجه، به بدنیال استعفای میازاوا نخست وزیر از مقام ریاست دولت و حزب حاکم، مذاکرات میان احزاب مخالف برای تشکیل دولت ائتلافی آغاز شد. برای نخستین بار پس از ۳۸ سال، حزب لیبرال دمکرات به اپوزیسیون رانده می شود.

دولت ائتلافی جدید ژاپن اعلام کرده است در سیاست خارجی، مشی دولت پیشین را ادامه خواهد داد اما سیاست داخلی جدیدی را به اجرا خواهد گذاشت. شکست حزب حاکم ژاپن، نتیجه روگردانی مردم این کشور از حزبی است که رهبران آن در رسوایی های مالی زیادی طی سالهای اخیر دخیل بوده اند اما از آنجا که رهبران دولت جدید نیز عمدتاً از مقامات حزب لیبرال دمکرات اند که در ماههای اخیر به منشعبین روی روی آورده اند، انتظار نمی رود سیستم سیاسی ژاپن توسط دولت جدید از فساد تصفیه شود.

اوضاع بحرانی در مرزهای تاجیکستان و افغانستان

در هفته های اخیر، حملات شورشیان تاجیکستان به پاسگاههای مرزبانی ارتش روسیه مستقر در مرزهای تاجیکستان و افغانستان شدت گرفته است. در روزهای ۲۳ و ۲۴ تیر ماه، در جریان این حملات ۲۸ مرزبان روسی کشته، ۳۰ نفر از آنان مجروح و ۱۸ تن دیگر ناپدید شدند. این حملات از قلمرو افغانستان صورت گرفت. سخنگوی مرزبانان روسی اعلام کرد در این درگیری ۲۰۰ نفر شرکت داشته اند.

بدنیال این حملات، پارلمان روسیه از دولت افغانستان خواست جلوی تجاوز به خاک تاجیکستان را بگیرد. ژنرال گراچف وزیر دفاع روسیه گفت ارتش این کشور، آماده دفاع از ساکنان روس تاجیکستان است. پارلمان روسیه، مرزهای تاجیکستان و افغانستان را مرزهای کشورهای عضو جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع دانست و پارلمان های قزاقستان، ازبکستان و قرقیزستان خواست نیروهای نظامی خود را بیدار کند به تاجیکستان اعزام کنند.

در روز ۲۶ تیر، دولت تاجیکستان از سازمان ملل درخواست کرد برای متوقف کردن تهاجم خونین به مرزهای این کشور، اقدام کند. بدنیال این حملات، روسیه و تاجیکستان ستاد مشترکی برای مقابله با حملات مزبور تشکیل دادند و روسیه اعلام کرد سلاحهای بیشتری در اختیار این ستاد قرار خواهد داد. دولت افغانستان ادعا کرد نیروهای روس به روستاهایی در شمال افغانستان حمله کرده و بیش از ۳۰۰ نفر از اهالی این روستاها را کشته و زخمی کرده اند.

پاول گراچف وزیر دفاع روسیه طی سفری به تاجیکستان گفت "نیروهای خاصی قصد بی ثبات کردن کشورهای آسیای میانه را دارند. وی افزود شورشیان تاجیکستان قصد داشتند پس از تسلط بر این کشور، ازبکستان را نیز ناامن کنند. در روز ۲۷ تیر، نبردهای شدیدی

میان حدود دوهزار نفر از شورشیان تاجیک و نیروهای دولتی تاجیکستان در نزدیکی شهر خوروگ واقع در جنوب این کشور در نزدیکی مرز افغانستان روی داد. در همین روز، برهان الدین ربانی رئیس جمهور افغانستان از سازمان ملل خواست "تجاوز روسیه به افغانستان را دفع کند.

بدنیال تشدید درگیری ها در جنوب تاجیکستان، عسگر آقایف رئیس جمهور قرقیزستان اعلام کرد این کشور بر اساس پیمانی که میان سران جامعه مشترک المنافع امضا شده، آماده است نیروهای ویژه خود را به منطقه مرزی تاجیکستان و افغانستان اعزام دارد.

دخالت نظامی روسیه در تاجیکستان، در داخل روسیه با مخالفت های روبرو است. یک مفسر رادپو مسکو گفته است به نظر است بودجه ای که صرف عملیات نظامی در تاجیکستان می گردد، برای بازگرداندن ساکنان روس تاجیکستان مصرف شود. اتحادیه سراسری نظامیان روسیه نیز به دولت این کشور هشدار داد از تجارب تلخ و ناموفق جنگ در افغانستان، عبرت گیرد.

افغانستان مدعی است که دخالتی در امور تاجیکستان ندارد. معاون وزیر خارجه دولت کابل طی سخنانی در تهران گفت ورود مهاجران تاجیک به افغانستان، دلیل اشتراکات نژادی و دینی است و کابل نمی تواند از ورود آنها جلوگیری کند. رهبری حزب دمکرات تاجیکستان که پیش از زوری کار آمدن دولت فعلی در دوشنبه، به همراه بنیاد گرایان اسلامی زمام امور تاجیکستان را بر عهده داشت، اکنون در کابل مستقر است.

در روز چهارم مرداد، شورای امنیت روسیه طی نشست به بررسی رویدادهای تاجیکستان پرداخت. باریس یلتسین رئیس جمهور روسیه در این اجلاس از عدم آمادگی مرزبانان روس در مقابله با حملات شورشیان تاجیک انتقاد کرد. آندره

کوزیرف وزیر خارجه روسیه گفت کشته شدن دهها مرزبان روس نشان می دهد دست یافتن به راه حل دیپلماتیک با مخالفان دولت تاجیکستان ممکن نیست. کوزیرف در عین حال گفت روسیه نمی خواهد به جنگ جدیدی در افغانستان کشیده شود.

در روز ۷ مرداد، هلی کوپترها و توپخانه نیروهای روسیه مستقر در تاجیکستان، مواضع شورشیان تاجیک را مورد حمله قرار دادند. بدنیال این حمله، وزارت خارجه افغانستان تهدید کرد در صورت ادامه حملات توپخانه روسیه، به اقدام تلافی جویانه دست خواهد زد. در همین روز، یلتسین دستور داد افراد و سلاح های بیشتری برای کمک به نیروهای روس مستقر در مرز تاجیکستان و افغانستان، اعزام شوند. یلتسین در این فرمان خاطر نشان کرد در صدد است به نیروهای روسیه در تاجیکستان، خصالت نیروهای پاسدار صلح را بدهد. به گزارش خبرگزاری روسیه ایتر تاس، رئیس جمهور روسیه از شورای امنیت سازمان ملل خواست خواست به تاجیکستان ناظران بین المللی اعزام کند.

روسیه تلاش هایی را برای یافتن یک راه حل سیاسی در تاجیکستان آغاز کرده است و می گوید مذاکراتی میان دولت دوشنبه و مخالفان ترتیب دهد. لئونید گراچوف رئیس جمهور اوکراین طی نامه ای به رئیس جمهور تاجیکستان، آمادگی اوکراین برای کمک به دوشنبه را اعلام کرد. رئیس جمهوری ازبکستان اظهار داشت جنگ در مرزهای افغانستان و تاجیکستان با استفاده از زور هرگز پایان نخواهد یافت.

نمایندگان روسیه، قزاقستان، ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان طی اجلاسی در مسکو اعلام کردند مرزهای تاجیکستان و افغانستان، مرزهای جامعه مشترک المنافع است و پنج کشور به دفاع از این مرزها اقدام خواهند کرد.

احزاب سیاسی پاکستان هم اکنون برای انتخابات زودرس مهر ماه آینده آماده می شوند. دولت موقت، اطمینان داده است که برای رای گیری، جوی صلح آمیز و آرام ایجاد خواهد کرد. معین قریشی نخست وزیر موقت، گفته است با کابینه ای کوچک، اما کارآمد، انتخابات را سازمان خواهد داد. به گفته قریشی، وزرای این کابینه حق نامزدی نمایندگی پارلمان را نخواهند داشت. قریشی، خط مشی اقتصادی دولت نواز شریف را معقول خوانده اعلام کرد سیاستهای اقتصادی نواز شریف را در جهت خصوصی کردن اقتصاد و جذب سرمایه ها، ادامه خواهد داد. معین احمد قریشی پس از زوری کار آمدن، عازم آمریکا شد.

استعفای رئیس جمهور و نخست وزیر پاکستان

در پی نشستی با شرکت غلام اسحاق خان رئیس جمهور، نواز شریف نخست وزیر و ژنرال عبدالوحید رئیس ستاد کل ارتش، غلام اسحاق خان و نواز شریف از سمت های خود استعفا کردند و توافق نمودند پارلمان پاکستان منحل شود. توافق مزبور با این هدف صورت گرفت که راه برگزاری انتخابات زودرس هموار شود.

در فروردین ماه، بدنیال اقدام نواز شریف برای حذف اختیارات رئیس جمهور در قانون اساسی پاکستان، غلام اسحاق خان نواز شریف را از سمت خود برکنار کرد اما ۳۹ روز بعد با رای دیوان عالی کشور پاکستان، ناگزیر شد فرمان خود را پس بگیرد. غلام اسحاق خان پس از

پذیرش استعفای نواز شریف، کناره گیری خود را از مقام ریاست جمهوری اعلام داشت. غلام اسحاق خان پیش از استعفا، با گماردن معین قریشی معاون پیشین رئیس بانک جهانی به عنوان نخست وزیر موقت، موافقت کرد. غلام اسحاق خان همچنین هر چهار پارلمان ایالتی را منحل و روز ۱۹ کتبر (۱۷ مهر ماه) را به عنوان تاریخ برگزاری انتخابات جدید اعلام کرد و سیم سجاد رئیس ستاب به عنوان کفیل ریاست جمهوری، و ظایف رئیس کشور را به عهده گرفته است. گزارش ها حاکی است توافق های غلام اسحاق خان و نواز شریف، با موافقت بی نظیر بیوتور رهبر حزب مردم و نخست وزیر پیشین نیز همراه است.

سوء استفاده از منستان از بحران داخلی آذربایجان

نیروهای اشغالگر از منطقه کلیچر و دیگر مناطق اشغال شده جمهوری آذربایجان شد.

حسن حسن اف نماینده دائمی جمهوری آذربایجان در سازمان ملل در دیدار با رئیس شورای امنیت این سازمان اعلام کرد تاکنون ۱۷ درصد از خاک جمهوری آذربایجان به تصرف نیروهای ارمنی درآمده است. مناطق مسکونی فضولی و جبرائیل آذربایجان زیر آتش شدید توپخانه نیروهای ارمنستان قرار دارد.

پارلمان آذربایجان در روز ۱ مرداد تصمیم گرفت در تاریخ شش شهریور در این جمهوری یک همه پرسی صورت گیرد تا معلوم شود مردم آذربایجان به ابوالفضل ایلچی بیگ رئیس جمهور برکنار شده اعتماد دارند یا نه. پارلمان آذربایجان همچنین وضعیت فوق العاده را به مدت دو ماه دیگر تمدید کرد.

در پی تعویض قدرت در آذربایجان و فرار ایلچی بیگ رئیس جمهور پیشین این کشور، نیروهای ارمنی با سوء استفاده از موقعیت پیش آمده، به پیشروی نظامی در خاک آذربایجان پرداختند و شهر اقدام آذربایجان را به تصرف خود درآوردند. بدنیال این حملات، شورای امنیت سازمان ملل با صدور قطعنامه ای تصرف این شهر را محکوم کرد و خواستار خروج بیبد رنگ این نیروها شد. قطعنامه ۸۵۳ شورای امنیت، خواستار توقف فوری همه درگیریها و عقب نشینی بی قید و شرط از منطقه اقدام و همه مناطق اشغال شده اخیر در جمهوری آذربایجان توسط نیروهای محلی ارمنی شده است.

شورای امنیت نیز در دهم اردیبهشت ماه با صدور قطعنامه ۸۲۲ خواستار قطع سریع مخاصمات جاری در منطقه قفقاز، برقراری آتش بس پایدار و خروج

جنگ خونین در جنوب لبنان

اسرائیل، حزب الله لبنان به همراه گروههای فلسطینی مانند گروه احمد جبرئیل و جبهه خلق به رهبری جرج حبش، به حملات موشکی علیه مواضع اسرائیل در نوار اشغالی جنوب لبنان و نیز شمال اسرائیل پرداختند. به دنبال این حملات، اسرائیل به تقویت نیروهای خود در جنوب لبنان اقدام کرد. ارتش اسرائیل نخست بخش وسیعی از جنوب لبنان را زیر آتش توپخانه قرار داد. از سوم مرداد ماه، اسرائیل در گسترده ترین عملیات خود در جنوب لبنان از ۱۹۸۵ بدین سو، جنوب لبنان را بمباران هوایی کرد. بدنیال این حملات شدید، نیروی زمینی اسرائیل وارد بخش اشغال نشد، جنوب لبنان گردید. عملیات اسرائیل با مقاومت نیروهای حزب الله روبرو شد. از سوی دیگر، نیروی دریایی اسرائیل نیز به گلوله باران ساحل لبنان از جنوب تا شمال آن پرداخت. همزمان با تشدید عملیات اسرائیل، شلیک موشک به شمال این کشور شدت گرفت.

حملات اسرائیل به جنوب لبنان به کشته شدن ده ها غیر نظامی آوارگی دهها هزار نفر از ساکنان این منطقه انجامید. به گزارش پلیس لبنان، در حدود ۲۰ روستای نزدیک به منطقه اشغالی جنوب این کشور، بدنیال حملات اسرائیل تقریباً سکنه خالی شد. اسحاق رابیر نخست وزیر اسرائیل به صراحت اعلام کرده هدف از حملات به لبنان، بر کردن بیروت از آوارگان است. رابیر افزود سیل آوارگان، دولت لبنان را تحت فشار قرار خواهد داد تا حزب الله را سرکوب کند. اسرائیلی ها شمار آوارگان را دو بیست هزار نفر تخمین زدند.

حملات شدید اسرائیل، شتر روز (از سوم تا هشتم مرداد) به طوا انجامید. طبق آمار که در بیروت انتشار یافت، تلفات این یورش ۱۹ کشته و ۴۴ مجروح اعلام گردید همین آمار حاکی است بر اثر حملات اسرائیل، چهار صد هزار نفر آوار شدند. تعداد حملات اسرائیل به ۱۲۲۴ مورد و شمار گلوله های توبی ۵ ارتش اسرائیل به مناطق جنوب لبنان شلیک کرده به ۲۸ هزار بالغ شد.

دولت اسرائیل اعلام کرد ظرف شش روز جنگ، ۲۴۰ موشک کاتوشا از جنوب لبنان به سوی اسرائیل شلیک شده و کشته و مجروح شدن ۱۷ نفر انجامید.

در روز جمعه هشتم مرداد، عملیات نظامی در جنوب لبنان فروکش کرد و فعالیت های دیپلماتیک گسترده ای برای پایان دادن به جنگ جریان یافت. دولت لبنان، ضمن حمایت از مقاومت گروههای لبنانی در برابر حملات اسرائیل، مخالفت خود را با پرتاب موشک به شمال اسرائیل اعلام داشت. وزیر دفاع لبنان گفت پیش از عقب نشینی کامل نیروهای اسرائیل از لبنان، از فعالیت های ضد اسرائیلی در جنوب لبنان جلوگیری نخواهد کرد. در روز هشتم مرداد، سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله لبنان اعلام کرد اسرائیلی ها به بمباران جنوب لبنان پایان دهند، حزب الله نیز از پرتاب موشک به شمال اسرائیل خودداری خواهد کرد. قبل از آن، اسحاق رابیر نخست وزیر اسرائیل به وارن کریستوفر وزیر خارجه آمریکا اطلاع داده بود که اسرائیل به شرط توقف شلیک موشک به شمال این کشور، آتش بس فوری را خواهد پذیرفت.

حزب الله لبنان، وارن کریستوفر به منطقه سفر کرد تا دور جدیدی از مذاکرات اعراب و اسرائیل را تدارک ببیند. کریستوفر از جمله با مقامات سوریه و اسرائیل دیدار و گفتگو کرد. برخی از گزارش ها حاکی است مقامات اسرائیلی این مذاکرات را "امیدوار کننده" دانسته اند.

از اواسط تیر ماه، درگیری نظامی میان ارتش اسرائیل و نیروهای لبنانی ژنرال آنتوان لحد از یک سو، و حزب الله لبنان و گروههای رادیکال فلسطینی از سوی دیگر، جنوب لبنان را صحنه شدیدترین جنگ طی سالهای اخیر کرد. این درگیری ها پس از به بن بست رسیدن آخرین دور مذاکرات صلح خاورمیانه در واشنگتن آغاز شد. همزمان با تلاش های دیپلماتیک آمریکا برای حصول توافقی میان اعراب و